



# ایل گویجی

نشریه کا نون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

شماره ۳ - پائیز ۶۴

در این شماره :

- ۳ ..... بزرگر، متحدکارگر
- ۶ ..... بوغدای
- ۷ ..... فصل کشت ، فصل هجوم بزرگ مالکان
- ۹ ..... "ایل گویچی من"
- ۱۱ ..... ادامه عملیات جنایتکارانه رژیم در کردستان ..  
اطلاعیه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن  
درباره شهادت عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات
- ۱۲ ..... کردستان ایران
- ۱۳ ..... از درد ورنج زنان ترکمن  
گرامی باد یاد واحدی قهرمان، مبارز راهیایی
- ۱۵ ..... محرومان و زحمتکشان
- ۱۹ ..... برخورد رژیم با مراسم عروسی در ترکمن صحرا ..  
اتحادیه های دهقانی ترکمن صحرا را احیاء
- ۲۲ ..... کنیم
- ۲۵ ..... مبارزه خلق بلوچ گسترش می یابد  
صیادان زحمتکش ترکمن صحرا به مبارزه خود ..
- ۲۷ ..... ادامه می دهند- صیادان پایه دام
- ۳۳ ..... پای صحبت یک معلم
- ۳۶ ..... سیدی شاعرو سردار خلق ترکمن
- ۳۹ ..... توضیحی پیرامون متون ترکمنی  
ترکمن صحرا نشینک سوشجنگ وقهرمان اوبا
- ۴۱ ..... زحمتکش لری !
- ۴۴ ..... سوء استفاده ارتجاع از فرهنگ و هنر خلق ترکمن ..
- ۴۹ ..... اخبار و رویدادهای منطقه

ایل گویچی (قدرت خلق)

نشریه کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

دوره دوم- سال اول- شماره ۳ - پاییز ۱۳۶۴

# بزرگ، متحد کارگر

## سخنی با دهقانان ترکمن صحرا

مدت که خمینی لجوجانه جنگ را ادامه داده هزاران روستا و دهها شهر کوچک و بزرگ کشور ما به ویرانه تبدیل شده است. کارخانه های بسیاری با خاک یکسان شده و حاصل دسترنج مردم زحمتکش و زجرکشیده میهن ما از بین رفته است. خمینی جنگ افروز هست و نیست مملکت را به "تنور جنگ" ریخته و جان و مال مردم مملکت ما را به تباهی کشاند. خمینی ورژیم جمهوری اسلامی که وعده های رنگارنگی به مردم داده بودند، تئوزرد از آبدرا مدند، همه وعده های آنها دروغ و تیرنگ بود، آنها در جرف خیالی دم از "مستضعفان" زدند، ولی زیر زیرکی از بزرگ مالکان حمایت کردند. زمین های صادره شده توسط دهقانان زحمتکش در سراسر کشور را پس گرفته و می گیرند و دهقانان را به زندان انداختند و می اندازند. دهقانان محروم و زحمتکش در برابر هجوم بزرگ مالکان که خمینی حامی آنهاست می ایستند و مقاومت می کنند و همه اهالی ده با زن و فرزند خود، یکپارچه مانع از این می شوند که بزرگ مالکان فراری، آنها را از زمین بیرون کنند و زمینهای آنها را بکارند. رژیم خمینی فقط

دهقانان مبارز ترکمن صحرا را اوضاع حساس کنونی کشور ما از شما طلب می کند که با چشمان باز و هشیارانه وضع کشور را زیر نظر بگیرید و همه اخبار و مسایل را تعقیب کنید. شما باید از فرزندان با سواد خودتان و از جوانان روستا که در جریان امور هستند، بخواهید که هر چه بیشتر شما را در جریان مبارزات کارگران و زحمتکشان و مردم سایر نقاط کشور علیه رژیم خمینی قرار دهند و از وضع حکومت برای تان صحبت کنند و مشکلات و نتایج جنگ خانمان بر انداز رژیمهای ایران و عراق را برایتان بگویند. شما را هر چه بیشتر در جریان آثار و عواقب سیاستهای ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی که باعث اعتراض مردم در گوشه و کنار کشور شده است، قرار دهند.

الان نزدیک به شش سال است که این جنگ کثیف ادامه دارد حاصل و نتیجه این جنگ برای مردم ما جز مرگ و ویرانی هیچ چیز دیگری نبوده است. ۳۰۰ هزار نفر کشته شده اند، صدها هزار نفر مجروح و گمشده داریم حدود ۲ میلیون نفر از خانه و کاشانه خود آواره شده اند و هست و نیست خودشان را از دست داده اند. در این

در ترکمن صحرا نبود که بر علیه شوراهای دهقانی توطئه گری می کرد و شوراهای مردمی را، شورا-هایی را که با مردم بودند و علیه بزرگ مالک مبارزه می کردند، منحل کرد یا آخوندده و حامیان خودش را به دزون آنها فرستاد. و با اعضای آنرا دستگیر و زندانی کرد. در همه جای کشور اینطور بود، رژیم جمهوری اسلامی از اتحاد مردم وحشت دارد، می ترسد که مردم در شورا و در اتحادیه متحد شوند و بساط زورگویی مالک - پسدانه آنها برچینند.

دهقانان مبارز ترکمن صحرا! دهقانان سراسر کشور ما زیر فشار ظلم اند. مثل شما آب، برق، جاده، حمام، درمانگاه و دکتر و مدرسه ندارند. ژاندارمها و سپاه و اربابها به آنها زور می گویند. در همه شما مشترک است. عامل و سرمنشاء این ظلم و زورگویی رژیم جمهوری اسلامی است. برای برچیندن بساط ظلم باید بساط جمهوری اسلامی را با اتحاد و مبارزه برچینید. وضع کارگران زحمتکش در مدت حکومت جمهوری اسلامی از قبیل هم بدتر شده است. روزی نیست که کارگران چندین کارخانه اعتصاب نکنند و بر خمینی جنگ افروز که حامی سرمایه داران است، لعنت نفرستند، حقوق آنها خیلی کم است در شهرها گریه خانه، و قیمت همه چیز سرسام آورافزایش پیدا کرده و حقوق ناچیز کارگر کفاف زندگی او را نمی دهد. تازه خطر بیکاری هم کارگران را تهدید می کند. کارگران کارخانه های مختلف را گروه گروه اخراج می کنند. هر کارگری به وضع موجود

که گرانی است، و یک کیلو برنج ۳۰ یا ۴۰ تومان است و حقوقها پایین است و فشار کارزینا دااست، وزن و بچه کارگران گرسنه اند. اعتراض کند، یا او را می گیرند و به زندان می اندازند و یا از کار بیرون می کنند. ولی با این همه کارگران دست از مبارزه بر نمی دارند و علیه جنگ و خمینی جنگ افروز و بساط بهبود وضع خودشان و علیه سرمایه داران بزرگ مبارزه می کنند. رژیم خیلی از کارگران وحشت دارد. کارگران نقش مهمی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی دارند. مبارزه کارگران علیه سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی که حامی آنهاست. تاثیر زیادی در پیروزی شما علیه بزرگ مالکان و رژیم جمهوری اسلامی که حامی آنهاست هست دارد. هدف شما و کارگران یکی است. مبارزه شما و مبارزه کارگران یک هدف واحد دارد. رهایی شما و رهایی کارگران هر دو مربوط است به اینکه هر چه زودتر بساط زورگویی زورگویان چه سرمایه دار و چه مالک و حامیان آنها برچیده شود. اتحاد شما، اتحاد کارگران و دهقان سهم بزرگی در این پیروزی دارد. کارگران آگاه از مبارزه شما دهقانان زحمتکش حمایت می کنند. دهقانان مبارز و زحمتکش هم باید از کارگران حمایت کنند و از مبارزه آنها پشتیبانی نمایند. وضع زحمتکشانی که در شهرها زندگی می کنند هم چندان تعریفی ندارد. گرانی سرسام آور، کمزرها را شکسته است. اجاره خانه در آمد ناچیز آنها را می بلعد، آنها مجبورند که در بیابانهای اطراف شهرها

که برای یک کار کوچک مردم را سر کیشه می کنند و... لب به اعتراض گشوده اند. نارضایتی اقسا را مختلف مردم از رژیم جمهوری اسلامی خیلی زیاد است. و روز بروز بیشتر می شود. بیشتر مردم دیگر به این رژیم اعتماد ندارند. کارگران، دهقانان، زحمتکشان که می بینند وضعیتشان هر روز بدتر از روز قبل می شود، اعتراض خود را گسترده ترمی کنند و گول فریبکاریهای سران حکومت را نمی خورند.

کارگران، دهقانان و زحمتکشان باید متحد و یکپارچه برای کردن ریشه ظلم و جور و استبداد بپا خیزند. از مبارزه یکدیگر حمایت کنند و مانع از آن شوند که دوباره سرمایه داران بزرگ و مالکان بزرگ بکار و حاصل آنها چنگ اندازند و دسترنج آنها را بربایند. تنه راه پیروزی اتحاد کارگران دهقانان و زحمتکشان و مبارزه آنها علیه رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی است که حامی بزرگ مالکان و کلان سرمایه دار است.



برای خودشان سرپناهی درست کنند و شب را در آن بسر آورند، و لیبی ما موران رژیم خمینی سرپناه آنها را با بلدوز بر سرشان خراب می کنند روزی نیست که بین این محرومان و پاسداران و کمیته چپی ها درگیری نشود. رژیم خمینی برای آزار و اذیت آنها آب را بزویشان می بندد، بچه هایشان را به مدرسه راه نمی دهد. به آنها کوبین نمی دهد و هزارویک مشکل برایشان بوجود می آورد.

دهقانان زحمتکش ترکمن صرا! زحمتکشان شهرها زیر فشار رژیم خمینی و تجار و اوصفت که در آمد اندک آنها را می ربایند، قرار دارند، آنها دردشان با شما مشترک است، آنها هم برای رهایی از جور و ظلم رژیم خمینی مبارزه می کنند.

زنان، مردان و جوانان در محلات گوناگون در شهرهای مختلف بارها و بارها علیه جنگ، علیه گرانی، علیه اعزام اجباری به جبهه های بی بازگشت، علیه زورگویی ما موران حکومتی، علیه دزدی و رشوه گیری و فساد در اداره ها

### خلق مبارز ترکمن!

برای آزادی زندانیان سیاسی این فرزندان آزاده و مبارز خلق ایران مبارزه کنید. علیه شکنجه و اعدام انقلابیون اعتراض کنید.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

### روشنفکران مبارز ترکمن!

برای نجات فرهنگ ملی خویش علیه مستبدین ضد فرهنگ حاکم مبارزه کنید. تاریخ ادبیات و هنر خلق خویش را پاسدارید و اشاعه دهید.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

# بوغداي

اकिन چيلراكدي بېغبوغداي  
يا شئل اؤوسوپ چئقدى بوغداي  
بىرلردۇنگوب گۈيچلندى غئش  
غار استئندا ياتدى بوغداي  
چۈلە ناغئش سالىدى باھار  
آجاب تولقون آتدى بوغداي  
بىتىشدىردى سۇممۇل لىرى  
آت گۇوسۇنە يىتدى بوغداي  
سۇممول لىرى اشغشئلداشدى  
آلتئن اؤوشۇن آتدى بوغداق

دورنا گجيب گۈيز دۇشندە  
بىرە غئرا و بوز دۇشندە  
بولوت اويناب باشلاغدى غئش  
كا غار ياغدى ، كا تە ياغئش  
گۈك گۈبۇردا ب گلدى باھار  
دنگيز كمين يىئلى سا حـ  
سپاپ باھار ئنگ ياللىرى  
گيزلدى بلند چياللىرى  
چوغون دوكوب توموس دۇشدى  
غوش غورساق دانە لىرپىشىدى

## فصل کشت

### فصل هجوم بزرگ مالکان

بصورت یک قانون عمل می کنند ، هجوم خود را در این فصل آغاز می کنند . طبق این سنت که ریشه در احترام عمیق مردم نسبت به زمین و گندم دارد ، هر کسی زودتر اقدام به کشت بکند و لوبشکل غصبی ، بقیه از کشت مجدد آن زمین خودداری می کنند . حاکمیت جهت استفاده از این سنت برای اینکه دهقانان را در مقابل کار انجام شده قرار بدهد ، تمامی امکانات کشت را در اختیار بزرگ مالکان می گذارد و از کشت به موقع توسط دهقانان و شوراها یا کارشکنی در تاراج میسر نیازی کشت ، جلوگیری می کند ، تا بزرگ مالکان زودتر زمین را شخم کنند و بکار برند . از طرف دیگر در فصل کشت پاییز بزرگ مالکان با در دست داشتن حکم با صلاح حاکمان شرع ، جهت باز پس گرفتن زمینها به روستاها یورش می آورند ، نمونه ای زیرگوییای سیاستهای ضد دهقانی جمهوری اسلامی و هجوم بربرمنشانه بزرگ مالکان به روستاها و تیلورزندهای از مبارزات قهرمانانه روستاییان و شوراها و مقاومت متحدانه آنان است در رو- ستای قرنچیک پورامان فئودالی با در دست داشتن حکم حاکم شرع جهت باز پس گیری زمینهای غصبی خود به شورا مراجعه می کند ، اما از طرف شورا با جواب دندان شکنی مواجه می شود ، شورای روستا به او می گوید که ما قبلاً زمینها را با حکم حاکم شرع صادره نکرديم و حالاً نیز با حکم او پس نخواهیم داد . در روستای قلاچاق آق قلا نیز فئودالی بعد از گرفتن حکم حاکم شرع برای باز پس گیری زمینهای صادره شده راننده خود را جهت شخم زمینها به روستا می فرستد ، مردم در مقابل این اقدام ، بصورت یکپارچه مقاومت می کنند و حکم حاکم شرع

فصل پاییز در ترکمن صحرا ، برای دهقانان فصل امید و خزان است . امید برای جوانه زدن گندم و بدست آوردن محصولی پر بار در فصل دیگر . این امید را بر احوالی در چشمان کودکان زنده پوش و پانبرهنه دهقان ، در چشمان مضطرب زنانی که از فربط کار طاقت فرسای آنها نشان ترک برداشته ، می توان دید . این امید را در دودوی حلقه های اشکی که از فربط سرمای صبحگاهی در چشمان دهقان حلقه زده است ، می توان دید . اما این امید همراه با اضطرابی جانگذازا زفرار رسیدن خزان است ، نه خزان پاییزی بل خزان یورش بزرگ مالکان و ارتجاع به جوانه های سبز امید آنان . فصل کشت برای دهقانان همیشه تداعی کننده فصل یورش زمینداران بزرگ بوده است . در این فصل که سر آغاز کشت پاییزه می باشد ، برای حاکمیت و بزرگ مالکان فصل هجوم به روستا ، جهت باز پس گرفتن زمینهای روستاییان این آرمغان انقلاب و این دستاورد خونین شوراهاست .

جمهوری اسلامی و بزرگ مالکان با استفاده از نامشخص بودن مالکیت قانونی زمینهای صادره شده توسط دهقانان و با استفاده از عرف و سنتی که در طی سالهای طولانی در بین مردم شکل گرفته و

زاپاره کرده و راننده او را از روستا بیرون می کنند.

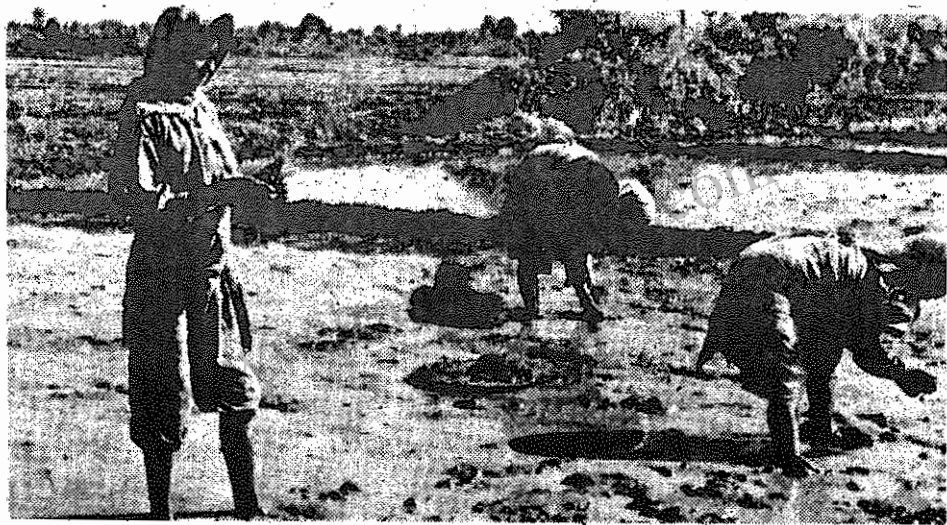
در روستای دونجی، همانند روستاهای بالاعوامل سرهنگ قادری جهت بازیگری زمینهای غصبی او با حکم حاکم شرع به روستا مراجعه می کنند که با مقاومت مردم و شورا مواجه شده و هدف ضد انقلابی آنها نیز خنثی می گردد.

این نمونه ها نشان دهنده مقاومت پرشور روستاییان در مقابل بازگشت مالکان بزرگ به روستاها و نمونه های با شکوهی از مقابله

پس از غصب دوباره این زمینها مقداری از آنها بعنوان باصلاح کمک به انقلاب اسلامی به حاکمیت بخشیده است.

دزروستای صحنه نیز ۱۰۰۰ هکتار

از زمینهای شورا را به غاصب آن محمد دورتی صحنه با ارباب و تهیدید شورا و دهقانان بازگردانده اند. اینها نمونه هایی از خیانت فضاحت با جمهوری اسلامی به دهقانان و گوشه ای از تلاشهای بزرگ مالکان جهت پایمال کردن دستاورد مبارزات دهقانان در



روستاها، بخصوص در فصل کشت پاییز می باشد.

مسلمانان مبارز و شوراهای منطقه، با توجه به تجربه عظیمی که در مبارزه با بزرگ مالکان و ارباب و تیزنگهای جمهوری اسلامی، در این چندساله اندوختند، تمامی این شرفتها را خنثی خواهند کرد و با مقاومت متحد و یکپارچه خود تمامی اقدامات

بقیه در صفحه ۴۸

دهقانان با سیاستهای ضددهقانی جمهوری اسلامی است. اما حکام خائن جمهوری اسلامی با توسل به نیروهای سرکوبگر همچنان می کوشند تا اوضاع را بسه روال سابق بازگردانند. یکی از این نمونه ها بازگرداندن زمینهای عبدالله آخوندزاده از کارخانه داران و زمینداران بزرگ منطقه است. آخوندزاده که صاحب ۳۰۰۰ هکتار زمین غصبی در منطقه آق قلا است



# “ايل گويجي من”

- ۱ - آرزو لاردان دورە ديم  
ايل دردينه ياراديم  
گۈنە ظاراپ يۈرە ديم  
نورپا يلايان ساوچى من  
تانشىنگىز ايل گويجي من
- ۲ - سۆزدۈرلرين سا يلايان  
قاپى - قاپى آيلايان  
ايل گۈنيمە پا يلايان  
دۇرپا يلايان ساوچى من  
تانشىنگىز ايل گويجي من
- ۳ - داغى - درانى گچيان  
آزادليغا يول آچيان  
دۈولرە كۆپۈن بيجيان  
دۇو اولايان آوچى من  
چۈنكى ايلينگ گويجي من
- ۴ - سۈيت - دن سويچى مندە بار  
اۋتدن آجى مندە بار  
خالقيم مانگا خريدار  
خلق دوشماننا آجى من  
چۈنكى ايلينگ گويجي من
- ۵ - ارتجاع - دان اورولدئم  
إنچە چاره گۈرۈلديم  
امائنه اۋورۈلديم  
دنگيزلرينگ مۇوجى من  
چۈنكى ايلينگ گويجي من
- ۶ - اگسىلمەيان گويجيم بار  
هردرده علاجئم بار  
ظالم لاردا اۋجۇم بار  
جانلارئنا ايجى من  
چۈنكى ايلينگ گويجي من

۷ - دستا نلاردا ن سۇز آچيان  
هودى ، لاله ، دۇرسا چيان  
بولوت دك يا غىب گچيان

دۇرپا يلايان ساوچى من  
تانشىنگىز ايل گۇيجى من

دوستلىق آچيان ساوچى من  
تانشىنگىز ايل گۇيجى من

۱۰ - ايشى بيلن ايشله يان  
تاىخانلاردا دۇشله يان  
زحمتكى آلقشلايان

زحمتكى سۇيجى من  
شوندا ن آليان گۇيجى من

۸ - يۇرهك لر يىنگ سازى من

باغشى لانگ آوازى من

بوشلايارش ن يازى من

ياز بوشلايان ساوچى من

تانشىنگىز ايل گۇيجى من

۱۱ - آرقادا غلام غاتى كان

پارس ، بلوچ ، آذربايجان

كرد ، عرب هم جانا جان

دوغا نلىقى سۇيجى من

چۇنگى اپلىنگ گۇيجى من

۹ - شاهيرانگ ديوانى من

دورشوم بيلن مانى من

آيلان ن دۇنيانى من

(دانگ آتار)



پوزش وتصحيح

خوانندگان گرامى، درنشریه "ايل گويجى" شماره ۲ تابستان  
۶۴ قطعه شعری تحت عنوان "ترکمن"، اشتياها بانام شاعر  
گرانقدر ميهنمان "رضا مقصدى" به چاپ رسیده است که بدینوسیله ضمن  
پوزش اصلاح می شود.

اوقوگه رك حاطگه رك تركمنچه مکتب گه رك

## ادامه عملیات جنایتکارانه رژیم در کردستان

رژیم استبدادی و قرون وسطایی جمهوری اسلامی که توسط دهها هزار نفر از نیروهای سرکوبگر خود منطقه کردستان را اشغال نموده است، طی ماههای اخیر حملات وحشیانه خود به مردم رنج کشیده کرد را بیش از پیش تشدید نمود، بر اثر این تهاجمات باز هم تعدادی دیگر از روستاهای منطقه به کمک توپ و تانک ویران و دهها تن از هموطنان کرد ما که خواهان کسب حقوق ملی خویشند به خاک و خون کشیده شدند. در میان شهیدان یورشهای اخیر عدهای از کادرهای فعال حزب دمکرات کردستان ایران و از جمله سرگرد علیا رعضو کمیته مرکزی و فرمانده نظامی آن حزب قرار داشتند.

رژیم ارتجاعی حاکم بر میهنمانی مثل همیشه در بوقهای تبلیغاتی خود با هیاهو از فتوحات "لشگریان اسلام" یاد کرد و گفت بزودی کار کردستان را یکسره خواهد کرد و برای سرپوش گذاردن بر جنایات خود و فریب افکار عمومی مسـردم کشورمان، همچون گذشته مدعی با صلاح اقدامات عمرانی و غیره در منطقه گردید.

ولی با وجود یورشهای مکرر و بمبارانهای وحشیانه مناطقی

کردستان نبرد مردم قهرمان کرد با نیروهای مهاجم رژیم همچنان ادامه دارد و رژیم قادر نیست مبارزه خلق کرد را خاموش سازد. خمینی که زمانی فرمان حمله به کردستان را صادر کرد در رسیدن به اهداف ارتجاعی خود و بزانودر آوردن خلق کردها جز مانده است. رژیم ارتجاعی حاکم جایی در میان مردم کرد ندارد. و نیروهایش مجبورند از ترس مردم در صدها پایگاه مجهز که در منطقه ایجا دگرده اند، در پناه خوب و تانک خود را حفظ کنند. رژیم محاصره اقتصادی کردستان را هنوز هم ادامه می دهد و از رسیدن حتی دارو به این بخش از میهنمان جلوگیری می کند و تا کتیک بمباران و گلوله بازان روستاها را برای سرکوب و ارعاب و آزار و اذیت مردم به پیش می برد. روستاییان کرد را به سبک رژیم منحوس پهلوئی به کوچ اجباری وامی دارد. و چندین لشکر از نیروهای سرکوبگر آن بیش از شش سال است که در کردستان به کشتار و ویرانی مشغولند. رژیم با وجود حیلها و ترفندهای گوناگون نتوانسته است در میان خلق کرد نفوذ یابد و در عوض پشتیبانی کردها از نیروهای مترقی کردستان که بر علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی مبارزه می کنند هر چه بیشتر می شود. آنچه که در این میان مایه تاسف است، درگیریهای فاجعه باری است که از چند ماه پیش میان حزب دمکرات کردستان ایران و کومله ادامه دارد. این درگیریها به اعتقاد ما در شرایطی که رژیم ضد مردمی جمهوری

بقیه در صفحه ۵۲

### مستحکم باد پیوند خلقهای سراسر کشور

## شهادت سرگرد کریم علیار عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

طبق اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران، سرگرد کریم علیار عضو کمیته مرکزی و فرمانده نظامی حزب دمکرات کردستان ایران در یک درگیری مسلحانه با نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی به شهادت رسیده است. کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن شهادت این فرزند انقلابی خلق کرد را به حزب دمکرات کردستان ایران و مردم کردستان تسلیت می گوید. ما ایمان داریم که پیشمرگان سلحشور حزب دموکرات کردستان ایران پرچم خونریز فرمانده خویش را همچنان بدوش خواهند کشید و بسان گذشته بدون لحظه ای درنگ مبارزه خود را برای تحقق خواستهای ملی و مردمی خلق کرد ادامه خواهند داد. بی گمان دهها هزار پیشمرگه قهرمان کرد با صوفی بهم فشرده نبرد علیه ستم ملی بر خلق خویش را ادامه خواهند داد.

جاودان باد یاد و خاطره سرگرد کریم علیار فرزند مبارز و قهرمان  
خلق کرد

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

# از درد و رنج زنان ترکمن صحرا



وسایر امکانات درمانی می باشد. او مجبور شده است با پرداخت کرایه گزافی بایک وانت با همراه مادر شوهرش به شهر بیاید، شوهرش را به سربازی احضار کرده اند و او از ترس اینکه میاد او را اسپاه وینا ژاندارمری به زور به جبهه اش بفرستند، نتوانسته بود، همراه آنان بیاید. زن می گفت چندی پیش فرزند یکی از ساکنین روستای آنها در مطب دکتر قبل از ویزیت پزشک

زنی لاغر و زرد رنگ با پیشانی خمیده و انگشتان کج و معوج در حالی که کودکی نحیف و بی حال را در آغوش داشت در مطب دکتر که فوق العاده شلوغ بود بی تاب به نظرمی رسید، اسهال آخرین رمق کودکش را گرفته بود و او از یکی از روستاهای شرق گنبد آمده است در روستای آنان پزشک و درمانگاه وجود ندارد و نزدیکترین درمانگاه به روستای آنان نیز فاقد پزشک

در اثر بیماری اسهال مرده است. هر ساله تعدادی از کودکان بدین صورت جانشان را از دست می دهند. عدم وجود امکانات درمانی در روستا تنها کودکان را در معرض خطر قرار نمی دهد، بلکه بویژه زنان نیز با نبود زایشگاه و پزشک زنان در بسیار موارد جانشان در معرض تهدید قرار می گیرد و قبیل از اینکجه آنان رایبه شهر برسانند، در بین راه زایمان می کنند و گاه مادر قربانی چنین وضع اسفناکمی می شود. چون وسیله نقلیه آلوده و نامناسب است، عمدتاً مادر و نوزاد به انواع بیماریها مبتلا می گردند روستاییان برای نجات از این وضع فلاکت بار تاکنون چندیین بارتقاضای ایجاد درمانگاه لااقل در روستاهای مرکزی و ایجا داطاق زایمان در آنها را کرده اند، ولی مسئولین هر بار بهانه های مختلف از قبیل " شرایط جنگی است، و نمی توانیم برای ایجاد درمانگاه فعلاً بودجه ای اختصاص دهیم" آنان را دست به سر کرده اند. این در حالی است که درمانگاه کلاله که مرکزی از بخش های ترکمن صحرا است، فاقد اطاق زایمان و حتی به اعتراف مسؤلان آن آمبولانس است. اومی گویند در روستای شان آب آشامیدنی سالم وجود ندارد و آنان مجبورند از آب جمع آوری شده از باران بیاشامند و بچه های شان را با آب برکه ها بشویند و این مساله باعث ابتلا کودکان به بیماریهای گوناگون می شود، اوسو ادندار در فقر و گرسنگی نگذاشته است او را به مدرسه بگذارند در روستای شان یک مدرسه دوا طاقه وجود دارد که دانش آموزان ۲ یا ۳ پایه فقط یک معلم دارند و قبلاً چندتا دختر در همین مدرسه درس

می خواندند، ولی از وقتی که قانون قرون وسطایی جمهوری اسلامی مبنی بر تفکیک کلاسهای دختران و پسران رایه اجرا در آورده اند، دختران دیگر نتوانستند درس بخوانند. دختران روستایی ناچارند از سن نه سالگی روی دار قالی بنشینند، عمده درآمد خانواده از دسترنج آنان بدست می آید و تا پاسی از شب آنها در اتاقهای نیمه تاریک و نمور قالی بافی می کنند، با وجود کار طاقت فرسا پیوسته سفره شان خالی است و در عوض سرمایه داران هر روز فریه تر می شوند و از پول حاصل از دسترنج آنان کاخ های می سازند، زنان و دختران روستایی زندگی مشقت باری دارند. فقر و گرسنگی و عقب ماندگی فرهنگی باعث گردیده دختران را در سنین ۱۴-۱۵ سالگی شوهر بدهند و از وقتی هم که این آخوندها روی کار آمده اند، وضع بدتر شده است، بطوری که ازدواج دختران کم سن و سال آنها با مردان مستی که ۲ یا ۳ زن دارند را تشویق می کنند و می گویند ثواب دارد!! زنان روستایی در حالی که قالیبافی و خانه داری و بچه داری می کنند، نگهداری و تیمیاری حیوانات خانگی را که تا مینکننده غذای اصلی خانواده شان می باشد را نیز بعهده دارند و در پایان روز خسته و بی رمق و گرسنه شب را به صبح می رسانند و نگران فردای شان می باشند. درد و رنج بسیاری رو سو تغذیه آنان را خیلی زود فرسوده می کند و اکثر در حالی که ۳۰ سال بیشتر ندارند، ۵۰ ساله به نظرمی رسند. اعتیاد بـ لای دیگری است که بز زندگی زحمتکش

بقیه در صفحه ۳۳۲

# گرامی باد یاد واحدی

## قهرمان مبارز راه رهایی محرومان و زحمتکشان



نفرت وی نسبت به نظامستمشاهی روز بروز افزایش می یافت و درد ل جوانش شعله مبارزه علیه این رژیم ضدبشری وابسته به امپریالیسم جهانی بیش از پیش گرمتر و پرسوزتر می گشت .

حاجی طواق واحدی انسان سی محبوب ، صادق ، فروتن و خوش سلوک بود . چهره ای متبسم داشت و در سینه پر آرزویش پیوسته آتش عشق به رهایی محرومان و زحمتکشان از چنگال سیاه ظلم و بی عدالتی زبانه می کشید . چهره اش آرام ، اما دلش طوفانی بود . اکثر زحمتکشان ترکمن او را می شناختند ، دوستش می داشتند و برای او ارزش و احترام خاصی قابل بودند .

او پس از اخذ دیپلم متوسطه ، سدی بزرگ کشکوردانشگاه رایبیروزمندانه شکست ، وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران گردید و در رشته مورد علاقه خویش به تحصیلات خود ادامه داد . بازمینه های گسترده داشت ، در محیط دانشگاه خیلی زود در صف دانشجویان مبارز و انقلابی قرار گرفت و جزو فعالین برجسته

حاجی طواق واحدی در سال ۱۳۲۹ در یکی از خانواده های زحمتکش گنبدکاووس متولد شد ، در دوران نوجوانی مادرش را از دست داد و دچار سختی ها و مشقات بسیار گردید . ولی علیرغم این مشکلات با جدیت فراوان درس خواند و علاوه بر فراگیری درسهای مدرسه ، به مطالعه کتب غیردرسی با مضامین اجتماعی و سیاسی پرداخت .

رژیم سرمایه داری وابسته شاه خائن سعی داشت با انواع و اقسام نیرنگ و سرکوب نوجوانان و جوانان خلقهای ستمدیده ایران را از جریان مسایل سیاسی و اجتماعی جامعه بدور نگه دارد ، ولی واحدی همانند هزاران نوجوان دیگر که قلب کوچک و پاکشان مالا مال آرزوهای بزرگ بود و دل بی تابشان برای بهروزی زحمتکشان می تپید ، با تلاشهای پیگیر و برور برداشش و آگاهی اجتماعی و سیاسی خویش افزود . او تا پایان دوره تحصیلات متوسطه در مدارس گنبدکاووس خواند و در طول این مدت همواره شاهد ستمهای وحشیانه ای بود که کارگزاران رژیم بر خلق محروم و ستمدیده ترکمن روا می داشتند . از این رو کینه و

کتاب و جزوات اجتماعی و سیاسی تهیه می نمود. با آنان در مورد مسایل اقتصادی و سیاسی جامعه بحث و گفتگومی کرد و آنان را با ماهیت بغایت ضد مردمی رژیم بیشتر آشنا می ساخت.

نظم در کار، صداقت و فروتنی در برخورد با دوستان و آشنایان پیگیری و استقامت در برابر مشکلات خون سردی و بردباری در مقابل نا ملایقات و بلاخره سازش ناپذیری با دشمنان مردم، از خصایل برجسته و بسیار نمایان واحدی بود. او پس از اخذ درجه لیسانس از دانشکده حقوق دانشگاه تهران، به سربازی اعزام گشت و بعد از پایان این دوره ملال انگیز، برای یافتن شغل دوباره راهی تهران گردید و باالخره پس از مدتی بیکاری و آوارگی، بعنوان دادیار دادگستری بندرعباس مشغول بکار شد. از آنجایی که با درد و محرومیت های زحمتکشان آشنا بود و همواره در جهت رفع مشکلات آنان تلاش می ورزید، خیلی زود با محرومان و کپرنشینان بندر عباس اخت شد و مورد علاقه و اعتماد آنان قرار گرفت. او در جهت رفع مشکلات این رنجبران تحت ستم از هیچگونه مساعدتی دریغ نوزید. انقلابی خستگی ناپذیر، فرزند شجاع خلق ترکمن واحدی، با اوج گیری جنبش توده ای مردم قهرمان ایران علیه رژیم آمریکا، شاه خائن، بلافاصله به جنبش پیوست و پس از مدت اندکی به منطقه ترکمن صحرا آمد و همراه محرومان منطقه به مبارزه پرداخت او به همراه و در کنار همزمانش از جمله توماج درستاد مرکزی خلق ترکمن به مبارزه انقلابی خود ادامه داد و در جهت تحقق اهداف انقلابی ستاد و کانون فرهنگی و سیاسی خلق

مبارزات دانشجویی گردید. در جریان تظاهرات و اعتصابات مردم قهرمان تهران علیه شرکت واحد فعالانه شرکت جست و در این جریان توسط دژخیمان ساواک دستگیر و مدت شش ماه زندانی گردید. حاج طواق در زندان نیز دست از مبارزه علیه رژیم برنداشت و براه پر افتخار خویش ادامه داد. زندان و شکنجه نه تنها وی را از راهی که می رفت باز نداشت، بلکه او را با ماهیت ضد بشری رژیم آمریکایی شاه خائن هر چه بیشتر آشنا ساخت و جهت ادامه مبارزه با آن عزم انقلابیش را سنگین کردید. در زندان فرزندان مبارزان انقلابی خلق های گوناگون ایران اعم از فارس و ترک و کرد و بلوچ و غیره با او هم بنشد بودند. زندان جلوه گاهی بسیار روشن از درد مشترک تما می زحمتکشان خلق های ستمدیده ایران بود و نمایانگری پیوند ناگسستنی سر نوشت آنان. لذا واحدی در زندان درسهای بزرگی آموخت و ایمانش به پیروزی آرمان والای زحمتکشان استوار تر گردید. او پس از آزادی از زندان با تجربه ای بیشتر، با درکی عمیقتر، با عزمی راسخ ترو ایمانی استوار تریای در میدان نبرد نهاد. آبدیده تر از گذشته در اکثر تشکلهای دانشجویی آن زمان، بویژه در گروه های مختلف کوهنوردی شرکت جست و بعد از مدت کوتاهی در جمع رهبری کنندگان این تشکلهای قرار گرفت. او در خارج از محیط دانشگاه نیز بطور پیگیر و فعال در جهت ارتقاء آگاهی های اجتماعی و سیاسی دوستان و آشنایان خویش، بویژه جوانان ترکمن اعم از کارگرو دانشجو و دانش آموز و غیره که در تهران بسر می بردند تلاش ورزید. آنان را به کوه می برد، برایشان



ترکمن لحظه‌ای از تلاش یا زنا یستاد  
اود را انتخابات شورا‌های شهرگنبد  
بعنوان کاندیدکانون فرهنگی  
وسیاسی خلق ترکمن وستاد مرکزی  
شورا‌های ترکمن صحرا شرکت جست.  
کارنامه انقلابی واحدی، این  
فرزند دلیر و برومند خلق ترکمن،  
این فدایی راه‌رهای محرومان  
وزحمتکشان، آنچنان درخشان  
وغرورآفرین بود که اکثریت قریب  
به اتفاق زحمتکشان گنبد اعم از  
فارس و ترک و زابلی و بلوچ و ترکمن  
و غیره با رأی یکپارچه خود اعتماد  
عمیق خویش را نسبت به وی نشان  
دادند و مشت محکمی بر دهگان  
یا وه‌سرایان مرتجع کوبیدند.  
بدین ترتیب واحدی در این  
انتخابات بیشترین آراء را کسب  
نمود و سپس بعنوان رئیس شورای  
شهرگنبد برگزیده شد. کارشانه  
روزی برای رفع مشکلات زحمتکشان  
پیکار بی‌امان با دشمنان انقلاب  
شعرا واحدی و هم‌زمان مبارزش بود.  
حاجی طواق واحدی، هم‌رمز فرزند  
دلیر خلق، شهید توماج، یا اورو  
غمخوار خستگی ناپذیر زحمتکشان  
و مبارز پاک باخته راه به‌روزی  
خلق بود. بهمین دلیل بزرگ  
مالکان، مرتجعین محلی، و خائنین  
جا خوش کرده در حاکمیت همواره  
تشنه خون پاک او و دیگر فرزندان  
انقلابی، خلق بودند.

دشمنان قسم خورده مردم و  
انقلاب، دشمنان کانون فرهنگی  
وسیاسی خلق ترکمن وستاد مرکزی  
شورا‌های ترکمن صحرا، ناکام از  
توطئه‌های خائنه خویش همچون  
ماری زخم خورده بخود می پیچیدند و  
همواره در اندیشه انتقام کشی  
از خلق بی‌باک خسته ترکمن که همدوش  
با زحمتکشان سایر خلقهای قهرمان  
ایران، علیه بزرگ مالکان و

امپریالیست‌ها مبارزه می نمود،  
بودند. در ادامه این تلاشهای  
خائنه، بالاخره در بهمن ماه سال  
۱۳۵۸، هم‌زمان با فرار رسیدن  
دومین سال پیروزی انقلاب،  
مرتجعین سیاه دل جمهوری  
اسلامی با همدستی بزرگ مالکین  
و دیگر خائنین محلی، برای خلق  
رنجیده ترکمن هدیه تلخ و درد  
ناکی را تدارک دیدند. آنها با  
توطئه‌ای بغایت ناجوانمردانه  
جنگ نابرابر دیگری راه این  
خلق مبارز تحمیل نمودند و با  
استفاده از جنگ ابزار اهریمنی  
خود که از رژیم جنایتکار پهلوی  
به‌ارث برده بودند، اعم از توپ  
و تانک و خمپاره و مسلسل... کانون  
فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن  
وستاد مرکزی شورا‌های ترکمن صحرا  
را با کینه‌ای ددمنشانه به خاک  
و خون کشیدند. تا توانستند مردم  
بی‌گناه را کشتند، اموال آنان  
را غارت نمودند و شهر پر شور و گیند را  
به ماتم کرده‌ای دردآور مبدل ساختند.  
روستای بدلجه را که در مجاورت  
شهرگنبد قرار داشت و اکثریت قریب  
به اتفاق ساکنین آن را زحمتکشان  
تشکیل می دادند، به آتش کشیدند  
و به ویرانه‌ای غم‌انگیز تبدیل  
نمودند، و سرانجام در ۲۹ بهمن  
سال ۵۸ چهار ستاره درخشان خلق،  
چهار مبارز پاک باخته، چهار  
رزمنده دلیر و قهرمان راه‌رهای  
زحمتکشان، چهار فرزند برومند  
خلق ترکمن، توماج، مختوم،  
واحدی و جرجانی را بمنظور خوش  
خدمتی به بزرگ مالکان و انتقام  
کشی از خلق رنج‌دیده ترکمن با  
دستور شخص خمینی جلاد، مخفیانه  
و بدون محاکمه اعدام کردند و  
اجساد تیرباران شده آنان را بز

دلانه در بیابان انداختند، بدین ترتیب خون پاک این فرزندان وفادار و شایسته خلق بر کارنامه سیاه جمهوری اسلامی جاری گشت و لکه ننگ دیگری بر دامان آلوده رژیم ددمنش خمینی افزوده شد.

با انتشار خبر این جنایت هولناک، بانگ اعتراض خشم آگین مردم در سراسر کشور بموج افتاد، زحمتکشان قهرمان ایران بویژه در شهرهای تهران، تبریز، گنبد، بندر ترکمن و در کردستان و غیره طی تظاهرات و راهپیمایی های عظیم خشم و نفرت خود را نسبت به این جنایت خائنه اعلام داشته، مصرا نه خواستار دستگیری و مجازات فوری عاملین آن شدند. زحمتکشان خلق زجر دیده ترکمن با شرکت گسترده دهها هزار نفری خود در مراسم تدفین، و چهارم توماج، مختوم، و احدی و جرجانی پیوند غرور آفرین خویش را با آرمان والای فرزندان انقلابی خود به نمایش گذاشتند و مشت محکمی بر دهان یاوره سرای حکام خائنه

و بی شرم جمهوری اسلامی و سایر دشمنان قسم خورده مردم قهرمان ایران کوبیدند. زحمتکشان خلق ترکمن با برپایی اجتماعات عظیم ضمن ابراز خشم و نفرت نسبت به عاملین کشتار رهبران واقعی خود نشان دادند که همدوش و همگام با زحمتکشان سایر خلقهای ایران همراه با پرچمی که فرزندان دلیر خلق برافراشته اند، به مبارزه حق طلبانه خویش تا به آخر ادامه خواهند داد و خائنین جنایتکار را بسزای اعمال ننگینشان خواهند رسانید.

همرزمان توماج، مختوم، و احدی و جرجانی همچنان با سربازان افراشته و عزمی راسخ پرچم مبارزه را برافراشته نگاه داشته اند و مصمم تر از هر زمان دیگر به نبرد انقلابی خویش ادامه می دهند.

گرامی باد

با دو خاطره فرزندان برومند خلق ترکمن مبارزان راه رهایی محرومان و زحمتکشان حاجی طواق واحدی جاودان با دو خاطره شهدای به خون خفته خلق!

جوانان، دانشجویان و دانش آموزان ترکمن!

به حمایت از مبارزات دهقانان ترکمن صحرا برخیزید! به روستاها بروید و دهقانان را نسبت به اوضاع کشور آگاه کنید. اقدامات ضد کارگری و ضد دهقانی و سیاستهای جنگ افروزان رژیم را افشاء کنید!

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

دهقانان ترکمن صحرا!

اتحادیه های دهقانی را تشکیل دهید! از شوراهای مردمی خود حمایت کنید. بزرگ مالکان را به روستاها راه ندهید.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

جاودان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق!

# برخورد رژیم با مراسم عروسی

## در ترکمن صحرا

دولت ایله گلریولسا

یاشدان بورون اوزان گلر

دولت ایلدن کیدریولسا

ملا بیلن توران گلر

( مختومقلی )

— اشاره ای مختصر به ویژگیهای جشن عروسی در ترکمن صحرا :

مراسم عروسی ترکمن ها عمدتاً

در فضای باز و با شرکت هر چه وسیعتر

توده های مردم برگزار می گردید و

هنوز هم کم و بیش این ویژگی

را حفظ نموده است . این مراسم

در مراحل مختلف زندگی خلیق

و در شرایط تاریخی گوناگون شکل

و مضمون خاصی بر اساس نیاز زمان

بخود می گرفته است . اما در کلیه

مراحل ، عرصه تجلی و پیروزی

فنون نظامی بوده است . شلیک جمعی

گروه های دهان نفری تیراندازی

که هنگام آوردن عروس ، پیشاپیش

کجاوه حرکت می کردند ، قلب

فضای آرام صحرا را می شکافت

و تا دور دستها طنین اندازی می گردید

( قوت قلبی برای خودی ها و هشداری

به بیگانگان بود ) و بدنبال آن

مسابقات تک تیراندازی و اسب -

دوانی ، عملیات روی اسب ، مسابقه

کشتی و ... و شب هنگام توده مشتاق

از کودک ۷ ساله تا پیرمرد ۷۰ ساله

دوربخشها و داستانگویان حلقه

می زدند و آنان را چون نگینی

گران بها در میان می گرفتند . دیگر

این بخشها بودند که تا سپیده

دمان قلب و روح آنان را در تسخیر

خود داشته ، با حماسه گورا و غلی ،

داستانهای عشقی - حماسی چون

" شاصم - غریب و " زهره - طاهر ،

با اشعار پر مغز مختومقلی و طنزهای

کمینه ... عشق به خلق و میهن

و آزادی را در دلشان فرزوزان و

روحیه پیکار علیه ستمکاران را در

آنان تقویت می نمودند . در دوران

حکومت ننگین پهلوی و از زمانی که

رضا خان پس از جنایات بی شمار بر

منطقه ترکمن صحرا تسلط یافت

در شئون زندگی خلق ترکمن

دگرگونیهای بزرگی رخ داد و بالطبع

چهره جشنهای عروسی نیز دستخوش

دگرگونی گردید و بسیاری از مراسم

بدست فراموشی سپرده شد . اما خلق

ستم دیده ترکمن بخشی های خلقی

خود را بمثابه سمبل موجودیست و

اصالت خویش در صحنه نگه داشتند .

و به درباریان جنایت پیشه فهماندند

که تا خلق زنده است ، بخشها نیز

در کنار آنان خواهند بود .

در آستانه انقلاب شکوهمند

۲۲ بهمن نیز بخشها بعنوان سمبل

هنرملی و مردمی خلق ترکمن به

صحنه آمدند و مجالس آنان به کانون

تشکل جوانان حول مسایل ملی

- فرهنگی بدل گردید . در بهار

کوتاه آزادی که به همت و قدرت لایزال ملت قهرمان ایران میهنمان گذر کرد، خلق ستمدیده ترکمن دهبا نوازنده و باغشویی جوان ازسینه پردردخویش بیرون داد. بخشهای جوان دررابطه تنگاتنگ با زحمتکشان جامعه راه پیش کسوتان خود چون چاودنربخشی، آراز محمد و نظری محبوبی را ادامه دادند و آنچنان پیوندی بین آنان واقشار هرچه وسیع تر خلق ایجاد گردید که پادوهای بی فرهنگ رژیم، خائنین تاریک اندیش رایارای گسستن آن نیست. ازسوی دیگر، اکنون جای نمایشهای رزمی سابق رامسابقات ورزشی، بویژه والیبال گرفته است. مردم به ورزشکاران خود ارج و الایسی می گذارند و در جشنهای عروسی مسابقات بسیار هیجان انگیز در میان انبوه مشتاقان وتشویق کنندگان، بین بهترین تیمهای مناطق مختلف ترکمن صحرابرگزار شده و به برندگان جوایزی چون قوچ پروار و سکه طلا اهداء می گردد. بیهوده نیست که تیمهای والیبال ترکمن صحرادر سطح کشور عزیزمان می درخشد.

— برخوردارتفرت انگیز عوام —  
فرهنگ ستیز رژیم خمینی با مراسم عروسی.

عوامل رژیم آبرویاخته جهل و فریب که با سیاستهای بغایت ارتجاعی و خائنه خودسرزمین کهنسال و فضیلت پرور ایران را به مسلخ پرشورترین میهن دوستان نویسندگان، هنرمندان و شاعران نامدار انقلابی و پویندگان صدیق حقیقت و عدالت بدل نموده اند، هیچ عرصه ای را از آلودن به زهر مهجورترین اندیشه های قرون وسطایی مصون نگذاشته اند.

مقوله ای بنا به نظر در جمهوری اسلامی اصولا در شمار منکرات قرار می گیرد و عامل تشویق گمراهی اذهنان عمومی جامعه شمرده می شود. رییس شعبه ۱۷۰ دادگاه کیفری ۲ در مصاحبه خود با روزنامه کیهان (۱۹ دی ماه ۱۳۶۳) اظهار می دارد: "از نظر این دادگاه آلات و ابزار موسیقی عموماً وسیله لهو و لعب هستند و هر کسی که این وسایل را در اختیار داشته باشد در اول فرا استفاده کننده مورد نظر قرار می گیرد و پیگیری می شود که هدفش از استفاده از این وسیله چه بوده است؟ و اگر بازم از نظر دادگاه مشخص نشود که هدفش چه بوده است؟ باز این افراد طبق ماده ۱۳ قانون جزایی مرتکب جرم شده اند، چرا که آلات و ابزار موسیقی در خانه شان دارند." هجوم دیوانه و اربادوهای فرصت طلب و بی فرهنگ رژیم به همه مظاهر تمدن و فرهنگ بالنده و نیروهای مثرقی و انقلابی در ترکمن صحرانیز به شیوه های گوناگون و با سماجتی نفرت انگیز ادامه دارد و سایه منحوس جهل و فریبشان فضای عروسیها را نیز به تیرگی آلوده و انزجار عمومی بویژه توده های زحمتکش رابرانگیخته است. ازسویی ساز و آواز در عروسیها، بویژه خواندن بخشیها، غیر شرعی و ممنوع اعلام شده است. مسئولان حکومتی که علیرغم تلاشهای فراوان نتوانستند جلوی مراسم عروسی و شادی ترکمنها را بگیرند می کوشند تا به ترتیبی شده جشن عروسی ترکمنی را از روال سنتی و حماسی خود خارج کنند و بگونه ای تحت تاثیر خواستها و افکار ارتجاعی خود قرار دهند. مسئولان حکومتی در منطقه به این منظور از بچه مرشد.

های فرصت طلب در کسوت معرکه -  
 گیرهای مبتذل و مضحک برای اداره  
 عروسیها سود می جویند. اینان  
 بعنوان باصطلاح گردانندگان  
 جشن های عروسی مردم منطقه  
 می کوشند تا جای آن چهره های  
 مردمی را بگیرند که با مزاج ها  
 و کلمات قصار، دکلمه اییاتی  
 از بهترین اشعار و گرامیداشت سنتن  
 مردمی خلق، مردم راسبزدوق  
 می آورند. و گاه گاهی با گرامیداشت  
 خاطره فرزندان قهرمان خلق،  
 شور و هیجان و گرمی خاصی به مجالس  
 می بخشیدند. به این دلچسپان  
 بی مقدار و وظیفه داده شده است تا  
 هر چه می توانند به نیروهای متزقی  
 و فرزندان قهرمان خلق بدو بپیراه  
 بگویند تا به خیال خام اربابان  
 سالوشان، مهر آنسان را از دل  
 توده ها زدوده و آرماتهای  
 مقدسشان را بی اعتبار نمایند.  
 جای مسابقات کشتی، والیبال  
 و ورزشهای رزمی و جمعی به مسابقات  
 با اصطلاح ایدئولوژیکی با طرح  
 سئوالات مبتذل و ارتجاعی و بیگانه  
 برای زحمتکشان داده شده و به  
 برندگان آن جوایزی چون چراغ  
 و سما و رنفتی و غیره تعلق می گیرد.  
 ارتجاع می کوشد تا مراسم عروسی  
 سنتی ترکمن ها را به تریبون  
 تبلیغ برای خود مبدل کند. تا به  
 این ترتیب افکار ریوسیده و مطرود  
 خود را در اذهان عمومی جایگزین  
 نماید. گردانندگان حکومتی  
 عروسیها پیوسته از پشت بلندگوهها  
 از جوانان دعوت می کنند تا به  
 جبهه ها بشتابند و تنور جنگ را گرم  
 نگه دارند!! هنگامی که ایمن  
 جیره خواران ارتجاع جشن عروسی  
 مردم را به خیمه شب بازی سرد و

نفرت انگیزی تبدیل نمودند،  
 ژس بدست های جاهل و افسوس  
 شده نیز چون سگهای ها رحول و وحوش  
 جمعیت خشمگین و خسته از تماشای  
 این صحنه مبتذل پرسیه می زنند تا  
 میا دا مردم با چوب و چماق به این  
 عروسکان حکومت حمله کنند و از صحنه  
 بیرونشان کنند. زیرا مردم بخوبی  
 می دانند که لجن پراکنی پادوهای  
 فرصت طلب رژیم جنایت پیشه خمینی  
 علیه فرزندان محبوب و قهرمانی  
 که حامیان پیگرو استوار دهقانان  
 و همه زحمتکشان بوده و می باشند،  
 بمنزله اعلام وفاداری ایمن  
 جیره خواران قدیمی فئودالها و  
 کلان سرمایه داران به ولینعمتشان  
 است.

مردم نیک می دانند که در نوای  
 پرمفهوم و زیبای دوتا رو آواز روح -  
 انگیز و میدآفرین بخشها جوهری  
 است که رعشه مرگ بر اندام این  
 تاریخ اندیشان، این واپسگرایان  
 ارتجاعی که با وحشت از آینه شده،  
 دوستی آیین و فرهنگ قرون  
 وسطایی را چسبیده اند، می اندازد.  
 مردم مراسم عروسی خود را  
 علیرغم گوششهای مذبحانسه  
 مرتجعین همچنان به عرصه تجلی  
 و شکوفایی استعداد های هنری  
 و ورزشی فرزندان شان تبدیل  
 خواهند نمود. بخشهای خلقی  
 خود را که در طول تاریخ یار و یاور  
 آنان و نوید بخش فردای پر شکوه  
 و رهایی ستندیدگان بوده اند، در  
 آغوش پرمهر خود خواهند گرفت و از  
 گزند بیورشهای ددمنشانه فرهنگ  
 ستیزان جاهل کنونی در امان  
 خواهند داشت.

"خلق که نغمه سراید، هرگز نمیرد"





## اتحادیه‌های دهقانی

### ترکمن صحرا را احیاء کنیم!

پیوند میان رزات دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا، اتحادیه‌های دهقانی ترکمن صحرا را پایه‌گذاری کرد. این اتحادیه‌ها با شرکت وسیع دهقانان زحمتکش و زبهم پیوستگی شوراهای روستایی و با اهداف سازماندهی و کمک به امور تولیدی دهقانان و پیشبرد موثرتر میان رزات آنها شکل گرفت. اتحادیه‌های دهقانی تحکیم اتحاد زحمتکشان را بوسیله بلوچ و ترکمن و ایستادگی متحد آنها در مقابل توطئه‌ها و ربا بان و زمینداران بزرگ را در دست‌سور کار قرار داده بود. از اتحاد داوطلبانه اتحادیه‌های روستاهای مختلف اتحادیه‌سراسری دهقانان ترکمن صحرا تا سپس گردید. اتحادیه سراسری طی جلسات هفتگی خود تمام خواسته‌ها و مطالبات و مسایل صنفی و سیاسی روستاییان منطقه را هماهنگ می‌نمود و سیاست عمومی اتحادیه‌های عضو را مشخص می‌ساخت. ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا، بعنوان مرکز ارتباطی اتحادیه‌های روستایی ترکمن صحرا نقش مهمی در تعمیق و انسجام میان رزات دهقانان ترکمن صحرا

پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ زمینه تحقق آمال و آرزوهای دیرینه خلق ترکمن و زدودن رنج‌ستم‌های ملی و طبقاتی را که سالیان سال از جانب حکومت‌های استبدادی و بخصوص رژیم جنایتکار پهلوی بر آنان اعمال گشته بود فراهم آورد. زحمتکشان و دهقانان مبارز ترکمن صحرا همزمان با اوج‌گیری جنبش توده‌های مردم سراسر ایران به مصاف با انقلابی زمین‌های غصبی اربابان و امرای ارتش شاهنشاهی و سواکی‌ها و زمینداران بزرگ پرداخته و شروع به کشت شورایی زمینها نمودند. آنان اموال و وسایل کشاورزی این غاصبین را به مالکیت خود درآورده، و با انتخاب شوراهای روستایی حفاظت از این اموال و زمینها را بعهده گرفتند.

در آن شرایط که جنبش دهقانی در اقصی نقاط ترکمن صحرا روز بروز شتاب بیشتری بخود می‌گرفت، ضرورت سازماندهی دهقانان برای کنترل و هماهنگی و پیشبرد موثر میان رزات آنان بطور جدی طرح گردید. دریا سخیه این ضرورت بود که ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا برای هماهنگ کردن و

ایفاء نمود. هدایت و سمت دهی  
مبارزات روستاییان برعلیه  
غاصبین وهما هنگی بین شوراها  
روستایی و رشد آگاهی زحمتکشان  
ترکمن صحرا محور سیاست ها و اهداف  
ستاد را تشکیل می داد. "ستاد از  
مجموعه شوراها ی روستایی وعده ای  
از فرزندان مردم زحمتکش ورنج  
دیده تشکیل شد که تنها حامی  
واقعی مردم هستند، مردم هستند  
که با پشتیبانی خودشان از ستاد آنرا  
قوی ترمی کنند و این امکان را  
می خواهند که ستاد بر مقابله  
زمینداران و غاصبین و سرمایه داران  
ایستادگی کرده و از حق روستاییان  
دفاع کند" (خبرنامه ترکمن صحرا  
شماره ۵ - ۵۸/۹/۲۲). اتحادیه  
سراسری دهقانان ترکمن صحرا  
در مدت موجودیت خود گام های  
ارزشمندی در جهت افزایش آگاهی  
زحمتکشان ترکمن صحرا و در تان  
همبستگی خلق ترکمن با زحمتکشان  
دیگر ملیت ها و افشاء توطئه های  
زمینداران و عوامل مرتجع و  
روحانیون وابسته به زمینداران  
بزرگ به پیش برداشت جلسات  
اتحادیه سراسری ترکمن صحرا و  
کنگره های شوراها ی روستایی  
تجلی واقعی اعمال اراده مردم  
در کار روزندگی شان را بخوبی  
به نمایش می گذارد. زحمتکشان ترکمن  
صحرا از ملیت های گوناگون زابلی  
بلوچ، ترکمن با شرکت در این  
جلسات که همواره شور و حرارت و  
صمیمیت وصف ناپذیری بر آنسان  
حاکم بود، حادث ترین مسایل خود  
و جامعه را مورد بررسی قمرار  
می دادند. افشاء توطئه های  
زمینداران در دامن زدن به  
اختلافات شیعه و سنی در روستاها  
چگونگی بهره برداری موثر تر از  
زمینها و همکاری جهت تهیه بذر و

گود و تراکتور و کمباین و اعلام  
حمایت و پشتیبانی از مبارزات  
دیگر خلقها و زحمتکشان میهنمان  
بخصوص خلق کرد، افشاء سیاستهای  
حاکمیت و امپریالیسم از جمله  
این مسایل بود. اتحادیه سراسری  
دهقانان ترکمن صحرا طی مدت  
فعالیت خود، توانست عالی ترین  
خواسته ها و آمال زحمتکشان  
ترکمن صحرا را در خود انعکاس  
داده و گام های بغایت ارزنده ای  
به نفع دهقانان و زحمتکشان به  
پیش بردارد. تعمیق دوستی  
و برادری بین ملیت های گوناگون  
منطقه، افزایش بازدهی کشاور  
محصول و میزان درآمد زحمتکشان  
از دستاوردهای ارزشمندی بود که  
زحمتکشان ترکمن صحرا آن راهیگاه  
از یاد نخواهند برد.

یورش بزمینشان و  
نا جوانمردانه حکام خیانت پیشه  
جمهوری اسلامی به ترکمن صحرا  
تشکل های واقعی و مردمی دهقانان  
زحمتکش را مورد نظر داشت. رژیم  
جمهوری اسلامی از تجمع و تشکیل  
زحمتکشان هراس دارد و مانع  
از آن می شود تا مردم خود بسز  
سرنوشتشان مسلط شوند. تلاش رژیم  
همواره این بوده که مهار  
تشکل های زحمتکشان را در دست  
خود گیرد و همه شوراها را به عوامل  
خود مبدل سازد و هر آنجا که موفق  
به این امر نشد حیطه عمل کرد  
شوراها و تشکل های دهقانانی و  
روستایی را با محدودیت های  
جدی مواجه ساخت. شوراها ی  
بسیاری را رژیم بخاطر مقاومت،  
اعضای آن منحل ساخته و شوراها ی  
مطابق میل و سلیقه خود ایجاد  
کرد، عده بیشماری از اعضای فعال  
شوراها دستگیر و زندانی شده و جای  
آنان را عناصر وابسته به حکومت

پز کرده اند. در این شرایط که رژیم حامی بزرگ مالکان و کسب و کار سرمایه داران در صدد بازگرداندن بزرگ مالکان به روستاهاست. و دهقانان زحمتکش موردیورش آرگانهای سرکوبگر رژیم قبیضه گرفته اند، اعیان و سازماندهی مجدد دهقانان در شکل های صنفی - سیاسی مستقل خود، بطور جدی و عاجل باید در دستور قرار گیرد. تشکیل اتحادیه های دهقانانی بعنوان تشکل صنفی - سیاسی و مستقل دهقانان برای هماهنگی و هدایت مبارزات آنان علیه بزرگ مالکان و حامیان آنها و تحقق سایر خواسته های صنفی شان در سطح وسیع تر از یک روستا امری ضروری است. همین طور حفظ و تحکیم شوراهای دهقانی مردمی امروز وظیفه همه نیروهای آگاه و با تجربه روستاها می باشد. این اتحادیه ها باید دفاع از منافع طبقاتی دهقانان را فراروی مبارزات خود قرار دهند و بدهقانان در تحقق خواسته های به حق شان به گونه ای سازمان یافته در مقابل زورگویان و زمینداران یاری رسانند. این اتحادیه ها باید مرکز تجمع همه نیروهای آگاه روستا باشند و همه کسانی که در جهت تامین منافع صنفی و سیاسی دهقانان زحمتکش مبارزه می کنند، در آن جای گیرند. جوانان و معلمین روستا در ایجاد اتحادیه های دهقانان نقش موثری

می توانند ایفا کنند. طبیعتاً در این شرایط این اتحادیه ها نمی توانند بطور علنی و درملاء عام شکل گیرند. لذا این وظیفه نیروهای پیشرو و مبارزان روستاست که با استفاده از تجربیات مبارزات دهقانان ترکمن صحرا هسته تدارک اتحادیه های دهقانی، راپی ریزی کرده و به جذب عناصر آگاه و مبارزان روستا بپردازند. لازم به تاکید است که مشارکت دهقانان در تشکل های مستقل خود نباید مانع از تاثیرگذاری بر شوراها و تعاونی های روستایی موجود گردد. دهقانان و نیروهای پیشرو، افشاء و خنثی کردن اقدامات ضد دهقانی شوراها، فرمایشی حکومتی و بیرون ریختن عوامل مرتجع و حکومتی از این شوراها و انعکاس و تعقیب مسایل خود از کانون این شوراها را باید در مرکز توجه قرار دهند. حکام خیانت پیشه جمهوری اسلامی بهیچ وجه قادر نیستند جلوی مبارزه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا را بگیرند. دهقانان ترکمن صحرا علی رغم توطئه های جمهوری اسلامی شوراها را خویش را حفظ کرده و می کنند و اتحادیه های دهقانی خویش را باز بسازند. گذشته برپا خواهند ساخت. بساط بزرگ مالکان را بر خواهند چید. و شور و شعف و شادی را به چهره های زحمتکشان زابلی، بلوچ و ترکمن باز خواهند گرداند. ★

زمین از آن کسانیست که روی آن کار می کنند!



# مبارزهٔ خلق بلوچ

## گسترش می یابد



اسلامی اهل حرف است و فریبکاری و دروغگویی مسئولان ریزودرشت آن دیگر شهرهٔ آفاق شده است. رژیم ارتجاعی که با جنبش روبه رشد خلق زجر دیده بلوچ روبرو است، می کوشد جای پناهی خود را در بلوچستان با استفاده از مولویهای فراری شاه پرست محکم کند و منطقه حساس بلوچستان را کاملاً در اختیار داشته باشد، زیرا بنادر چاه بهار برای اهداف ارتجاعی رژیم اهمیت استراتژیک دارد و منطقه بلوچستان برای اجرای نقشه های ارتجاعی جمهوری اسلامی

سرمداران رژیم ارتجاعی حاکم بر میهن ما همانند تمامی ستمگران تاریخ برای عوام فریبی حرفهای زیبایی به نفع مردم می زنند، ولی در عمل اهداف ارتجاعی خود را دنبال می کنند. در کشور ما اکنون این ریاکاریها مرسوم شده است و طبعاً مردم محروم و زحمتکش منطقه بلوچستان نیز از این امر مصون نیستند. پی در پی مقامات حکومتی به منطقه می روند و وعده های دروغین می دهند، ولی مردم به این حرفها و وعده ها توجهی ندارند و می دانند که رژیم جمهوری

در مورد افغانستان از حساسیت برخوردار است . . . فقر و محرومیت مردم بلوچستان که از زمان رژیم منغوریها لوی باقی مانده ، در دوره رژیم جمهوری اسلامی هر چه بیشتر افزایش یافته است . سیاستهای ضددهقانی رژیم که منجر به ورشکستگی دهقانان و خانه خرابی آنها شده ، افزایش بیکاری و مهاجرت گسترده روستاییان را سبب گردیده و زمینها سازگسترش هر چه بیشتر قحاق مواد مخدر در منطقه شده است ، این عوامل خشم و نارضایتی مردم بلوچستان را افزایش داده است . اعتراض و درگیریهای مکرری که در این منطقه بر علیه رژیم حاکم صورت می گیرد ، نشانگر این واقعیت است که مردم از اجحافات و ظلم و ستم رژیم و ارگانهای سرکوبگر آن به تنگ آمده اند . جمهوری اسلامی کوچکترین حقوقی برای خلق بلوچ قائل نیست . خواستهای ملی و حق خودمختاری مردم بلوچستان مخالفاست . بسان رژیم شاه همچنان حقوق ملی مردم آن سامان را پایمال می کند . نیروهای ملی و دموکراتیک خلق بلوچ را که خواهان خودمختاری بلوچستان هستند ، سرکوب می نماید . علاوه بر اینها رژیم با حمایت از اشرار افغانی و تربیت و بسیج آنها و تبدیل زاهدان به مرکزی برای فعالیت ضد انقلابیون دست این جانیان را که از هیچ جنایتی فروگذار نمی کنند ، در منطقه باز گذاشته است و آنها را به جان هم میهنان ما انداخته است .

رژیم حاکم که نمی خواهد دینا به ما هیتش نمی تواند مشکلات مردم را حل کند ، در عمل با ایجاد پایگاههای نظامی در منطقه تقویت نیروهای سرکوبگر خود می کوشد تا مردم را مرعوب سازد و اهداف ارتجاعی خویش را پیش برد . رژیم برای این منظور ساواک خود را در منطقه تقویت کرده و ساواک کیهای زمان شاه را برای بازسازی آن مورد استفاده قرار داده است . دست خود را به سوی خوانین و ارتجاعیون منطقه دراز کرده تا نظم و آرامش دلخواه او را برایش ایجاد کنند . و اما خلق محروم بلوچ گول ریاکاریهای مرتجعین حاکم را نخواهند خورد . جنای جمهوری اسلامی برای اکثریت خلق بلوچ که با سیاستهای ضد مردمی رژیم آشنا نیستند دیگر رنگی ندارد ، مردم بلوچستان بیش از پیش به این امر پی می برند که راهی آنها از ظلم و ستم و محرومیت و تحقق حقوق ملی آنها در گروی اتحاد و یگانگی شان با سایر خلقهای دربند ایران است . مبارزه مردم بلوچستان برای کسب خودمختاری خویش از میان برداشتن محرومیت و ظلم ، جزیی از مبارزه هم خلقهای ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی است که حافظ نظام سرمایه داری و مدافع بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران و سرکوبگر خلقهای میهن ماست .



مستحکم باد پیوند زحمتکشان زابلی ، بلوچ و ترکمن

# صیادان زحمتکش ترکمن صحرا

## به مبارزه خود ادامه میدهند

### صیادان پایه دام

معاش خود در مضیقه اند، برای تهیه وسایل صید مورد نیاز بید هستند و نیست خودشان را بفروشند، زیر بار قرض بیرون دتا بتوانند اندک سرمایه لازم برای آغاز کار را فراهم کنند. دسترنج اندک این زحمتکشسان همواره بوسیله فروشندگان وسایل صید و اجاقات آنان ربوده می شود و اندک درآمد آنها بهیچ وجه کفاف زندگی مشقت بارشان را نمی کند. ویژگی خاصی که این نوع صیادان را از دیگر بخشهای صیادی متمایز می سازد، اشتغال بخشی از آنان به کشاورزی است که بر روی قطعه زمین کوچکی که اکثر اهما نامرغوبترین زمینهای منطقه است کار می کنند و این امر پس از انقلاب، نامسا مانی اقتصادی کشور و تورم سرسام آور و در نتیجه افزایش قیمت وسایل صید، این زحمتکشسان را بیش از پیش در تنگنا قرار داده است. ارقام زیر بخوبی این واقعیت را نشان می دهد. مشکلات صیادان پایه دام را عریضان می سازد.

صیادان پایه دام به صیادانی گفته می شود که بصورت سیار در مناطقی مختلف دریا و رودخانه ها با کاشتن تورهای (دام) به طول ۱۵ متر بسه صید می یزدانند و روزها بگونه ای در میان نیزارها خود را مخفی می کنند. این صیادان زحمتکش در ضلع شرقی و جنوبی دریای خزر بصورت پراکنده و تحت بدترین و غیر انسانی ترین شرایط و زیر بار باران بومی و غیر بومی به صید مشغولند. صیادان پایه دام را عمدتاً دهقانان بی زمین و کم زمین و جوانان بی کار و حتی دانش آموزانی که خانواده آنها توانایی تامین هزینه تحصیلشان را ندارند، تشکیل می دهند. مشکل اساسی این صیادان تامین وسایل صید است. آنها بهیچ وجه قادر نیستند وسایل صید ضرور را که حداقل عبارت از ۲۰ عدد دام (تور)، لباس پلاستیکی و پوکسه (چکمه ای که ناشانه می رسد) را تامین کنند. برای یک صیاد حرفه ای تهیه یک قایق دونفره به این وسایل اضافه می شود. صیادان پایه دام که از تامین حداقل

## قیمت وسایل صیادی قبل و بعد از انقلاب:

قبل از انقلاب	بعد از انقلاب	
۱۲۰۰ ریال	۴۰۰۰ ریال	تور ۳ سانتی (چاق آق) کیلویی
۸۰۰ "	۳۰۰۰ "	تور ۵ سانتی (که فیر آق)
۱۵۰ "	۴۵۰ "	طناب مخصوص دام هرکلاف
۲۰۰ "	۱۴۰۰ "	نخ نیلونی برای وصل توبه طناب هرلوله
۶۰ "	۲۵۰ "	سرب کیلویی
۹۰۰ "	۴۲۰۰ "	پوکه (چکمه‌ای که تاشانه میرسد) یک جفت
۱۴۰۰ "	۷۰۰۰ "	بارانی همراه باشلوا رپلاستیکی
۱۵۰۰ الی ۶۰۰۰ ریال	۲۵۰۰۰ "	قایق دونفره کوچک ۱۵۰۰
۵۰۰۰ الی ۶۰۰۰ -	۲۰۰۰۰ الی ۲۵۰۰۰ ریال	تهیه ۲۰ عدد دام که یک صیاد غیر حرفه‌ای به آن احتیاج دارد
۱۵۰۰۰ "	۵۰۰۰۰ "	تهیه مجموعه این وسایل همراه با قایق

تقاضای فراوان تری روبرو می‌کند. و به این خاطر تجار مزبور همواره درزد و دیندارها فرماندهان ژاندارمری هستند.

بعد از طی این مراحل مشقت آور برای تهیه وسایل صید، مبارزه اصلی صیادان اربابان و حامیان رنگارنگ آنان و با امواج سهمگین دریا و سرمای کشنده آغاز می‌شود. صیادان پایه دام بخاطر وجود ماهی در مناطق خصوصی از دریا و یا رودخانه‌ها و عمدتاً در مصب آن به صید می‌پردازند ولی این مناطق در گذشته مورد توجه خاص اربابان دریا و همیشه نیز قرق گاه ژاندارمها بوده و معمولاً تمامی مناطق صید به دو قسمت تقسیم می‌شد که یک قسمت آن و بخصوص بهترین مناطق برای صید از طرف شیلات در اختیار اربابان گذاشته می‌شد. اربابان برای حراست از این مناطق علاوه بر در اختیار داشتن نیروهای ژاندارمری عناصر مزدوری را نیز از میان او باشان محلی استخدام می‌کردند. دستگیری صیادی در یکی از مناطق برابر بود با پرداخت جرایم سنگین و شکنجه‌های وحشیانه و زندان که

این آثار همچنان بیانگر حدت اجافاتی است که از طرف تجار سوداگر که در ارتباط با واردکنندگان انحصاری این کالاها هستند به صیادان روا می‌شود. اما بعد از تهیه این وسایل نیز هیچگونه تضمینی در حفظ و یا حداقل در جبران سرمایه اولیه آنها وجود ندارد. چه بسا که در همان اولین شب صید، کلیه وسایل صیادی از طرف باصلاح محافظان دریا به غارت برده می‌شود و برای صیاد چیزی جز افلاس و اشک و حسرت باقی نمی‌ماند. صیاد دوباره مجبور است به هر طریق ممکن سرمایه‌ای برای خرید وسایل مورد نیاز تهیه بکند و برای این کار خود را به هر آب و آتشی می‌زند. حتی با اجبار جهت کار مزدوری به آلوچیها (دلان) نیز رجوع می‌نماید. آنان مجبورند در قبال دریافت این وسایل از آلوچیها هم نصف صید را بعنوان سهم به آنها بدهند و هم اینکه سهم خود را نیز به نازلترین قیمت به خود و بفروشند. ضبط وسایل صید، صیادان توسط ژاندارمها و سایر ارگانهای سرکوبگر رژیم فروشندگان وسایل صید را با

حتی گاهی به کشته شدن او نیز منجر می گردید. هیچ روستا و شهری در کنار دریا و رودخانه ها نیست که لااقل یک نفر از صیادان آن کشته و یا با شکنجه های شدید ناقص العضو نشده باشد. سروان حامد جنایتکار که فرستاده مخصوص ارتش شاهنشاهی جهت سرکوب صیادان و حفاظت از منافع اربابان بود، برای نشان دادن سرسپردگی خود به درگاه آنان از هیچگونه جنایتی فروگذار نمی کرد.

وضع آلودگیها (دلالت های ماهی) در این بین از همه بهتر بود، آنها از یک طرف چندین نفر از صیادان را به مزدوری خود در آورده و با بندوبستی که با ژاندارمها داشتند، حداکثر کار را از صیادان می کشیدند. و از طرف دیگر قیمت ماهی را برای مصرف کننده تا حد ممکن بالا می بردند و با بعد از دادن حق پلین راه و پاسگاه های بین راه، جهت فروش به شهرهای بزرگ گیلان و مازندران حمل می کردند. سودنهایی و کلان را در این بین میداندارها یعنی صاحب سرمایه بزرگ و دارای نفوذ زیاد در دستگاهاهی دولتی بودند می بردند (این میداندارها اکنون در گیلان مورد حمایت احسان بخش امام جمعه رشت هستند). بعضی از این میداندارها بخصوص در رشت ناهیان در فصل و فورصددها هزار تومان فقط از خرید و فروش کلان ماهی سود می بردند.

وضع صیادان پایه دام در مناطقی که توسط شیلات در اختیار اربابان و سرمایه داران قرار می گرفته از این نیز بدتر بود. اربابها برای حفاظت این مناطق هم از مزدوران خود استفاده می کردند و هم از ژاندارمها. آنها در بهترین فصل صید مصب رودخانه ها و یا قسمت بزرگی

از مناطق زیست ماهیان را به نازلترین قیمت و با رشوه های کلان در اختیار می گرفتند. قسمت کوچکی از صیادان به شیلات داده می شد و بقیه به شهرهای بزرگ مازندران و گیلان ارسال می گردید. در صورت دستگیری صیادان پایه دام در این مناطق ژاندارمها و مزدوران اربابها آنان را به فجیع ترین وجهی به قتل می رساندند. موارد متعددی وجود دارد که صیادانگون بخت را در با تلاقهای اطراف محل صید خفه کردند و یا بر اثر ضرب و جرح ناقص العضو نمودند، به روستاهای اطراف محل صید از قبیل چارقلی، چالکی، آغزلی، توماچلر، قره سو و... حمله بردند و به آزار و اذیت و ضرب و جرح مردم پرداختند.

مشکل دیگر زحمت کشان صیاد پایه دام سرما و امواج سهمگین دریاست. آنها که با ابتدایی ترین وسیله به صید می پردازند. اغلب جان خود را بر اثر طوفان و سرما از دست می دهند.

مقاومت و مبارزه صیادان علیه ژاندارمها و عناصر و عوامل اربابها از دیرباز ادامه داشته است. صیادان پایه دام علی رغم پراکنندگی و بی سازمانی مبارزه شان که بطور عمده از شیوه کار آنها سرچشمه می گرفت، در مقابل عوامل سرکوبگر رژیم و ژاندارمها می ایستادند و به اعتراضات و تقابل خشن با آنها می پرداختند. در زمان رژیم گذشته موارد بسیاری از دستگیری ژاندارمهای ضد مردمی و تنبیه و حتی قتل آنها توسط صیادان پایه دام مشاهده شده است.

با اوج گیری قیام توده ها و جنبش فراگیر و قدرتمند دهقانی در منطقه، علیه بزرگ مالکان و صیادان پایه دام نیز همگام با آنان

علیه اربابان دریا و حافظان منافع آنان دست به مبارزه‌ای همه‌جانبه زدند. آنها با شعار "دریا، دریا، جیلنگی، حاصل اکیچیلنگی" مبارزه‌ای هدفمند و سازمان یافته را که توسط نیروهای انقلابی در منطقه هدایت می‌گردید، پیش بردند. آنها به‌مراه سایر صیادان زحمتکش و دهقانان مبارز ترکمن صحرا در مبارزه همه‌جانبه علیه رژیم شاه خائن و درجهت احقاق حقوق پایمال شده شرکت جستند. این مبارزه باعث شده بود که طی سال ۵۶ و ۵۷ دیگر اربابها جز اتاجاره بخش از دریا از شیلات رانداشته باشند.

با پیروزی انقلاب عرصه جدیدی در مبارزه صیادان علیه اربابها و دلالتها گشوده شد. مبارزه صیادان چه از نظر شکل و چه از نظر مضمون آن به مرحله کیفیتا نوینی گام نهاد. مبارزه اوج یابنده دهقانان زحمتکش در منطقه ترکمن صحرا که بزرگ مالکی را هدف قرار داده بود، تشکیل شوراها و روستایی مردمی که به همت تسوده‌ها و هدایت ستاد مرکزی شوراها و ترکمن صحرا سازمان یافته بود، چنان فضایی ایجاد نمود که صیادان زحمتکش نیز بطور متحد به مقابله و مبارزه علیه اربابان و حامیان آنان برخاستند و خود را مورسید را بعهده گرفتند. دریا بر بستر مبارزات صیادان آزاد اعلام شد، و در کنار صیادان، عناصر سودجویانه سوء استفاده مشغول شدند. صیادان زحمتکش که قادر به تهیه وسایل صید نبودند، اجبارا به استخدام سودجویان و سرمایه‌دارانی که حساب رنگ عوض کرده بودند، درآمدند. عناصر سودجوبا سپردن وسایل صید به صیادان نصف صید را تحویل می‌گرفتند. و آلوجیهای سابق

مجدداً فعال شده و به شیوه‌های گوناگون کم کم با زار ماهی رایج انحصار خود را آورده و به میل خویش قیمت آنرا تعیین می‌کردند. این زالوصفتان برای خود تشکلی ایجاد کرده و فعالیتهای خود را هماهنگ می‌نمودند.

آزادی صید که حاصل مبارزه طولانی صیادان بود، بدلیل اینکه صیادان امکان تامین نیازهای خویش را نداشتند، حکومت نیز به آنان یاری نمی‌نمود، سبب آن شد که با زار ماهیها یک تاز میسندان شوند و به چپاول بپردازند. اربابها از طریق عناصر و عوامل خود در درون شیلات کم کم زمزمه محدودیت و قدغن کردن صید در دریا را سردادند و با همکاری برخی از مسئولان این سیاست را پیش می‌بردند.

صید بی رویه سودجویان تهدیدی برای انقراض نسل ماهیان بود. روی این اصل کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، که از تصمیم مسئولان حکومتی در رابطه با قدغن کردن صید مطلع بود، برای جلوگیری از این امر پیشنهادات زیر را که صیادان خود در تهیه و تنظیم آن شرکت داشتند، به مسئولان محلی ارائه داد:

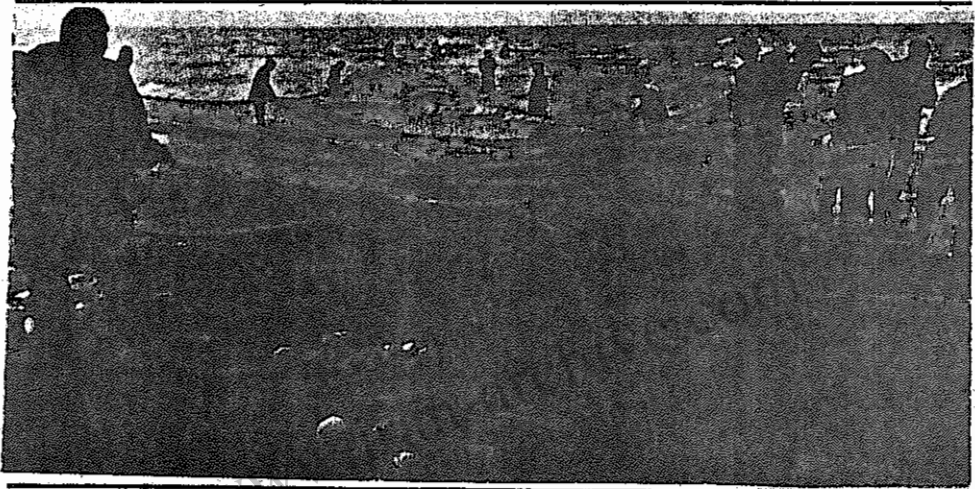
۱ - در فصل تخم ریزی ماهی که می‌بایستی صید قدغن گردد، امر محافظت از دریا با حقوق مکفی بخود صیادان پایه‌دام واگذار گردد نه به نیروهای انتظامی.

۲ - جهت اشتغال بکار صیادان در این فصل، کارگاههای تولیدی تور و وسایل و ادوات صید در شهرها و روستاهای مرکزی ایجاد گردد.

برخورد مسئولین شیلات و ژاندارمری با این پیشنهادات همانطور که انتظار می‌رفت، بر - خوردی غیر منطقی و غیر مسئولانه

بود. آنها تحت فشار رجنیش دهقانی و توده‌ای در آن مقطع از بیگان صریح مقاصد خود با داشتند و لسی مودیان به اهداف خویش را پیش می گرفتند. آنها در مجموع برخوردی متناقض با این پیشنهادات را پیش بردند. بدین ترتیب که تحت پوشش سپردن امر محافظت از دریا به خود صیادان، عناصر لمین را تحت عنوان جوانمرد به استخدام ژاندارمری درآوردند. آنان به تدریج به

بسوی نیروهای سرکوبگر تیراندازی کرده و نمی گذاشتند آنها در دریا به حوالن بپردازند. اما با سرکوب خونین مبارزه دهقانان و جلوگیری از فعالیت ستاد مرکزی شوراهای و کانسون فرهنگی و سیاسی که مانع اصلی و بزرگی در جهت پیاده شدن نیات ضد مردمی حاکمیت در منطقه بنود، رژیم دست به محو آزادیها و دستا - وردهای مبارزات مردم زد و سرکوب



مزدوران محلی ژاندارمری تبدیل شده و نقش زیادی در سرکوب بعدی صیادان بعهده گرفتند. در اواخر سال ۱۳۵۸ تحدید آزادی صید، با تیراندازی و کشته شدن یکی از صیادان پایه دام روستای چاپاقلی بوسیله یکی از بسیجیها به اوج خود رسید. صیادان مبارز که نمی خواستند وضعیت گذشته در دریا دوباره حاکم شود، بشدت در مقابل این اقدامات ضد مردمی مقاومت ورزیدند. آنها حتی با تفنگهای سرپر خود از داخل دریا

صیادان پایه دام را نیز به اوج خود رساند. ادامه این وضع، فشار به صیادان و اعتراض آنها باعث شد که شیلات بخشی از آنان را که به دوهزار نفر بالغ می شدند، در تعاونیهایی موسوم به قره تور در آزای دریافت ۱۰۰۰۰۰۰ ریال حقا عضویت و رشوه‌های کلانی که مسئولان شیلات و فرمانداری از آنان می گرفتند عضو نماید. البته دشواریهای صیادان در عضویت به این تعاونیهها و کارشکنی مسئولان و وضعیت این

جیلانگی

دریا بالیق

تعاونیها خود جای بررسی جداگانه دارند.

بخش اندکی از این صیادان نیز با پرداخت ۶۰۰۰ ریال به فرمانداری کارت صیادی یکساله دریافت داشتند، مشروط بر اینکه صید خود را با نازلترین قیمت به مراکز مختلفی که بوسیله فرمانداری ایجاد شده (همان تعاونی‌الوجیها) تحویل دهند. بزرگترین تعاونی از این نوع در شهر گومیش دپه ایجاد شد و در اس آن فردی بنام حمید آخوند که یکی از روحانیون مرتجع این شهر بود، قرار داشت. شخص مزبور خود از عوامل چپاول و غارت دسترنج صیادان زحمتکش بود و سودهای کلانی در این رابطه به جیب زد.

این باصلاح تعاونیها با اقدامات ضد مردمی خود تنفر صیادان پایه دام و مردم شهرهای منطقه را برانگیختند. و کم‌کم به ادارات دولتی و عامل تفتیش منازل صیادان و فشار و آزار و اذیت آنها مبدل گردیدند. بخش اعظم صیادان پایه دام که توان پرداخت مبالغی کلان برای عضویت در

باصلاح تعاونی حکومتی رانداشته و ندارند، مجبورند که بوروال سابق به صید بپردازند و کماکان هر روز با ما موران سرکوبگر حکومتی دست و پنجه نرم کنند. آنها برای تامین حداقل معیشت خود در مضیقه هستند و وضع بسیار اسفباری دارند.

جمهوری اسلامی نه تنها در بهبود شرایط زندگی و کار صیادان و رهایی آنها از سلطه اربابان و تجار سوداگر و آلودگیها، کاری از پیش نبرد، بلکه مانند دوران ستم‌شاهی همچنان صیادان را با خاطر تاملین منافع اربابان و سرمایه داران زیر شدیدترین سرکوبها قرار می‌دهد. و با ارگانهای جدید التاسیس خود و حشیانه آنها را استثمار می‌کند.

اکنون صیادان زحمتکش بیش از پیش به ماهیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پی برده‌اند و تجربیات ارزشمند مبارزات آنها برایشان روشن ساخته است که تنها با اتحاد و یگانگی قادرند علیه سلطه اربابان و تجار آلودگیها و رژیم حامی آنها به مبارزه برخیزند. و تعاونیهای واقعی خویش را تاسیس نمایند.



پیش می‌گردد.

زنان روستاهای ترکمن صحرا برای رهایی از زندگی پر دردشان همراه با سایر زحمتکشان بر علیه ظلم و بی عدالتی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی عامل آن است، مبارزه می‌کنند. آنان خواهان صلح برای مردم، غذا و بهداشت و مدرسه برای فرزندان و حقوق انسانی برابر با مردان می‌باشند.

## از درد و...

چنگ انداخته است. در روستاهای شرق گنبد اکثر معتادانند حتی دختران و زنان جوان برای تحمل درد ورنج و کار طاقت فرسا و فراموشی بدبختیهایشان به تریاک روی می‌آورند. آنان به زحمت می‌توانند روی دارقالی بنشینند، و درآمد حاصل از تلاش شبانه روزیشان را قاچاقچیان موادمخدر می‌ربایند. و زندگی‌شان هر روز فلاکت بارتر از روز



## پای صحبت يك معلم

خبری نیست و هیچ نوع وسیله‌ای برای رشد و تکامل و بکار انداختن فکر بچه‌ها که آینده سازان جامعه می‌باشند، وجود ندارد. در اکثر روستاها کلاسهای آموزشی بصورت دوپایه و یا چندپایه تشکیل و تدریس می‌شود، یعنی مثلا برای پنج کلاس دو معلم که خود آنها مدیر و ناظم و سریدار مدرسه هم هستند، در نظر گرفته شده است. وضع در روستاهای دور دست بسیار بدتر است. در این روستاها وضع طوری است که برای ۹ ماه سال تحصیلی شاید بیشتر از ۲ تا ۳ ماه معلم تدریس کند و بچه‌ها همینطور بحال خودرها شده‌اند. بعلاوه جدا کردن کلاسهای دختران و پسران و حذف کلاسهایی به بهانه نرسیدن تعداد دانش‌آموزان به حد نصاب و نبود معلم، تعداد دانش‌آموزان مدارس به نصف تقلیل یافته است. معلمان با تجربه و کار آزموده همگی در شهرها تدریس می‌کنند. بحای اینکه معلمان در مراکز آموزشی و یا برنامه‌های مناسب کارآموزی آماده بشوند، بطور غیر مسئولانه مدارس روستایی را آزمون‌گاه و میدان تجربه اندوزی اینگونه معلمان جوان کرده‌اند. دانش‌آموزان اکثر ایا شکم گرسنه به مدرسه می‌آیند یعنی در منزل آنها کسی نیست که غذایی تهیه کند، چون پدر و مادر آنها

فرزندان مردم زحمتکش ترکمن صحرا از نظر آموزش مثل سایر زمین‌ها در مضیقه و تنگنا هستند. اکنون به جرات می‌توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق کودکان در سن تحصیل قادر نیستند به مدرسه راه یابند، بسیاری از محصلین در زیر فشار زندگی خانوادگی و مشکلات اقتصادی مجبور به ترک تحصیل شده‌اند و در مزارع و شهرها بدنبال کار آواره گردیده‌اند. بی‌سوادی در ترکمن صحرا بطرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. و این از برکات رژیم جمهوری اسلامی است. وضع بد اقتصاد مردم منطقه، تعطیل شدن بسیاری از مدارس روستایی بدلیل کمبود و نبود معلم و نداشتن جا و دلسردی از ادامه تحصیل بدلیل محتوای ارتجاعی کتب و آزار و اذیت محصلین توسط عوامل رژیم از جمله علل این امر است. یکی از معلمین منطقه وضع آموزش و مدارس منطقه را چنین توضیح می‌دهد:

فرزندان روستایی بالباسهای پاره و دستهای پینه بسته اکثر برای کمک به والدین خود در مزارع کار می‌کنند و کمترین درس و مشق می‌رسند، تازه وقتی با هزار مکافات به مدرسه می‌آیند از هیچ نوع امکانات آموزشی، و سبیل تفریح و بازی و وسایل آزمایشگاهی

در سرزمین مشغول کار هستند و اگر هم باشند چیزی در بساط ندارند که به خورد بچه‌هایشان بدهند. بچه‌ها با موهای ژولیده که اغلب رنگ حمام بخود ندیده‌اند به مدرسه می‌آیند. در اوایل مهر و آبان نصف شاگردان در کلاسها حضور ندارند، بطور مثال در روستای بدلجه که به شهر گنبد چسبیده است، بچه‌های دانش‌آموز به پنبه چینی می‌روند و بیشتر اوقات از کلاس و درس غیبت می‌کنند. در مواقع بیماری هم آهی در بساط ندارند که پول دکتر و دارو بدهند. به همین خاطر والدین با خواهش و التماس از مربیان بهداشت مدارس در شهر کاهن غلذی دریافت می‌کنند که بطور مجانی به بیمارستان بروند. یعنی هاتومان پول بلیط ندهند که در نهایت با هزار گرفتاری یکی دو تا قرص و کمی دارو عایدشان می‌شود.

وضع آموزشی در شهرهای منطقه ترکمن صحرا با محروم بودن از کمترین وسایل آموزشی و رفاهی اسفبار است. عملاً مربیان تربیتی کنترل مدارس را در دست داشته و تمام کارمندان از مربیان تربیتی حساب می‌برند. آنها روزی یک ساعت از وقت درس و کلاس را می‌گیرند و پشت بلندگوبه تبلیغات به نفع حاکمیت و برای جنگ و کوبیدن گروههای مترقی می‌پردازند. محیط آموزشی در مدارس روز بروز به محیط رعب و وحشت مبدل می‌شود این عوامل فشار و سرکوب در مدارس، اکثر از کم‌سوادترین و ارتجاعی‌ترین اشخاص دارای تفکرات قرون وسطایی هستند که مورد تنفردانش‌آموزان و سایر معلمین می‌باشند. دانش‌آموزان شناخته شده و مترقی همیشه مورد اذیت و آزار انجمنیها واقع

شده و مرتباً مورد تفتیش بدنی و عقیدتی قرار می‌گیرند. اصولاً در مدارس حزب الهی‌ها بعنوان جاسوس عمل می‌کنند و به آنها چشم و گوش مربیان امورتربیتی می‌گویند. وضع دبیرستانهای دخترانه از این هم بدتر است. دو تا از خواهران حزب الهی را ما مورد کرده‌اند که دم در مدرسه با یستند و کیف بچه‌ها را بگردند و اگر نشیبه یا کتابی یافته‌اند، به مربیان امورتربیتی خبر دهند و پشت سرهم به دانش‌آموزان تذکر می‌دهند که چارقد و روسری را پایین بکشند تا موهایشان دیده نشود. بخشنامه‌های حجاب برای مردان و زنان سیل وار همه روزه به مدارس می‌رسد. مضمون همه آنها این است که پسرها و مردان (دانش‌آموزان و معلمان) لباس آستین کوتاه نپوشند و خانمها حتماً مقنعه و چادر بپوشند و موهایشان دیده نشود. مربیان تربیتی تا کید می‌کنند که حجاب مهم‌تر از درس است. آخر به اعتقاد آنها تحصیل برای زنان لازم نیست. وظیفه زنان آشپزی، بچه‌داری، خیاطی و خدمت به خانواده است.

دانش‌آموزان ترکمن با یاس و نومیدی درس می‌خوانند. آنها می‌دانند که هر روز که می‌گذرد محتوای کتابها مبتذل‌تر، پوچ‌تر و قرون وسطایی‌تر می‌شود. کتابها روز بروز از مطالب ضد علمی و خرافات و جملات نامفهوم عربی و غیره انباشته می‌گردد. در این کتابها از شعرای بزرگ و نامدار خلق ترکمن هیچ اثری نیست. درباره تاریخ ترکمنها و مبارزات آزادی خواهانه و حق طلبانه آنها مثل زمان شاه هیچ صحبتی و یا مطلبی در میان نیست. اصلاً قبول

ندارند که خلق کرد و یا خلق ترکمن و دیگر خلقهای ایران حقی داشته باشند فرهنگ ملی خلق ترکمن کاملاً انکار می شود، جوانان و نوجوانان ترکمن بدون آموختن آثار غنی ادبیات ملی خودشان بدون شناختن شعرا، نویسندگان قهرمانان ملی و تاریخی خلق خویش درس می خوانند، آنها را حتی از یاد گرفتن زبان مادری شان و خواندن و نوشتن به زبان مادری هم محروم کرده اند. سیاست، رضا خان قلدرویسر منفورش محمد رضا در زمان جمهوری اسلامی و حکومت خمینی به شیوه ای بدتر و خشن تر همچنان دنبال می شود. کتابهای درسی از لحاظ رشد خلاقیت و تفکر هیچ نوع کمکی به محصلین نمی کند و مثل سابق دانش آموزان باید دروس و لاطالات را طوطی وار حفظ کنند و با طریقی یاد بگیرند. دانش آموزان که می دانند وقتی دیپلم گرفتند باید پشت در دانشگاه بمانند و مساله رفتن به خدمت سربازی وجهه مطرح می شود، در امتحانات نهایی شرکت نمی کنند. در سال گذشته اکثر جوانان ترکمنی که در دانشگاه تربیت معلم قبول شده بودند بعد از تحقیقات کذایی رژیم رد شدند. شیوه تحقیقات هم طوری است که از همسایه ها و در کوچها و خیابان و خلاصه به هر کسی رسیدند پیرش می کنند. البته مسئول تحقیقات عضوانجمن اسلامی است و از میان دانش آموزان سال چهارم همان مدرسه می باشد. بدلیل وجود چنین اختناق و سرکوبی نیازهای روحی و فرهنگی جوانان

بهیچ وجه تامین نمی گردد و اشاعه روحیه یاس و ناامیدی در میان آنها روبه افزایش است. انحرافات بخصوص اعتیاد به مواد مخدر گسترش یافته است و جوانان با انرژی راکه می بایستی آینده سازان ما باشند، تهدید می کند.

معلمان و کارمندان آموزش و پرورش در منطقه امنیت شغلی ندارند حقوق ناچیز معلمی با آنهمه گرانی و تورم کفاف زندگی شان را نمی کند ولی با این حال چاره ای جز ادامه کار برای گذران زندگی و تامین مخارج خانواده نمی بینند. بدلیل سیاستهای ضد ملی حاکمیت در منطقه حساسیت روی معلمین ترکمن بیشتر است و در اکثر موارد معلمین اخراجی را ترکمنها تشکیل می دهند.

به جرات می توان گفت که حکام خائن جمهوری اسلامی طی نزدیک به ۷ سال گذشته نه تنها هیچ کاری برای ارتقاء سطح فرهنگ و هنر و علم و دانش مردم ترکمن صحرای انجام نداده اند، بلکه بسا روشهای استبدادی و جنایتکارانه به سرکوب و تخریب فرهنگ ملی خلق ترکمن و جلوگیری از رشد و شکوفایی آن اقدام کرده اند. وضع مدارس شهری و روستایی، ترکمن صحرای بسیار خراب است و بی سواد بی نظوری سابقه ای افزایش پیدا کرده، حاصل کار جمهوری اسلامی در زمینه فرهنگی در ترکمن صحرای افزایش بی سوادگی، گسترش اعتیاد در میان جوانان و بی علاقه آنها به تحصیل است.



# سیدی، شاعر و سردار خلق ترکمن

وخونی علیه یکدیگر بر آه می انداختند  
و برای تصرف آن یورشهای پی در پی  
تدارک می دیدند. حرکات خیانت  
آمیخته از سران قبا یل  
ورو جانیون که توسط امیر بخارا  
تطمیع و خرید شده بودند بر  
آشفتگی و نابسامانی وضع می افزودند  
و به قول معروف "قلعه را از درون  
خراب می کرد".

در چنین اوضاع و احوالی شاعر  
مبارز خلق ترکمن سید نظر سیدی  
۱۷۷۵/۵ میلادی چشم به جهان گشود و  
در چنان جا معه ای و چنان شرایطی  
بزرگ شد. منبع الهام شاعر زندگی  
فلاکت با رتوده های زحمتکش خلق  
بود و ماضی اشعار روی آینه تمام  
نمای سرنوشت اندوهها مردمی بود  
که در زیر آجاف و فشار امیران  
و فئودالها در سخت ترین شرایط  
روزگار می گذرانند. چرا که شاعر  
تماشاگر کنایه رصحنه نبوده، بلکه  
پیوسته در پیشاپیش جنبشهای  
حق طلبانه آنان حرکت نموده.  
سیدی در یک دست قلم و در دست دیگر  
شمشیر، تا آخرین رمق وواپسین  
دم حیات پرتلاطم خویش علیه  
استیلاگران بیگانه و عوام مسل  
خود فروخته داخلی آنان بی امان  
بیکار کرد. بی سبب نیست که  
ترکمن های زجر کشیده و ستم دیده  
به شاعر محبوب خود لقب پرافتخار  
سردار ملی دادند. نام سیدی در  
تاریخ ادبیات ترکمن، با عنوان

ایل گوئن اوچین شیرین جانندان  
گچه رمن  
دولدول مینیپ، فانان باغلاب  
اوچارمن  
نا مارددگله م حاقدان قسم ایچه رمن  
یا نثپ دوران نارمن سو، نمه نم  
بگ ل

(در راه خلق جان شیرین بر کشف  
خواهم نهاد  
سوار بر سمنده دل دل وارم پر خواهم گشود  
سوگند به یزدان که من نام مردم نیستم  
من آتش فروزانم که هرگز خاموش نخواهم  
گشونت)

★

شرایط زندگی مردم و درد ورنجها  
و مبارزات آنها را در هر دوره ای  
می توان از روی طیش قلب شعرای  
مردمی آن دوره توضیح داد و به  
دیگر سخن، برای درک وضعیت هر  
شاعر نیز باید به طنین ضربان قلب  
زمان و سرزمین آن شاعر گوش فرا  
داد.

در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن  
۱۹ در جلگه های جیحون علیا، و در  
جنوب غربی امیرنشین بخارا حدود  
۴۰ هزار خانوار ترکمن می زیستند  
که عمدتاً از طایفه "ارساری" بودند  
امیر بخارا، خان خیره و فئودالهای  
استرآباد چون گرگهای گرسنه برای  
دریدن این خطه زرخیز و پربرکت  
دندان تیز کرده و بر سر بلعیندن  
این لقمه چرب جنگ های پر خشم

شاعر سردار ثبت گردیده است .  
 خلافت ادبی شاعر از دوران جوانی  
 با سرودن اشعار شورانگیز غنائی  
 چون "سلطان خاتیجا"، "اوبه خاتیجا"  
 "بلمه ز" و غیره شکوفان می گردد .  
 سیدی به دختری بنام خاتیجا (خدیجه)  
 دل می بندد ، عشق متقابل آنان  
 در نتیجه حرکت شجاعانه سیدی  
 و مبارزه وی علیه سنتهای ارتجاعی  
 حاکم بر جامعه آنروز که عشق  
 پاک و آزادانه را بر جوانان حرام  
 کرده بود ، به وصال می انجامد .  
 در سالهای ۱۸۲۵-۱۸۵۰ میلادی تحول  
 جدیدی در روند تکاملی خلافت  
 شاعر بوجود آمد . این تحول در رابطه  
 مستقیم و تنگاتنگ با تحولاتی  
 است که در زندگی اجتماعی خلق  
 وی و نیز سرنوشت سرزمین محبوبش  
 بوجود آمده بود .

همانطور که در بالا اشاره رفت ،  
 امیرستم پیشه بخارا (میرحیدر)  
 ترکمنهای ساکن سواحل جیحون  
 علیارانیز هما نندز حمتکشان سایر  
 خلقهای تحت سلطه خود تحت شدید-  
 ترین فشارها و در شرایطی بسیار  
 طاقت فرسا قرار داده بود . مظالم  
 بی حد و حصر امیر دامنش و دست-  
 نشانندگان مزدور و خائنین وی  
 ترکمنهای آرساری را به ستوه  
 آورده بود . ناراضی و خشم و هیجان  
 مردم روز بروز شدت می گرفت .  
 سیدی در چنین شرایط با رهنمودهای  
 داهیان و رهبریهای قاطع  
 و شایسته خود به تکیه گاه مطمئنی  
 برای توده های آستمنار شده جا معه  
 خود تبدیل شد . وی با پند و اندرز و  
 آرایه طریق به جوانان پر شور و  
 مبارز ، گرایش اعتراضی توده ها  
 علیه ستمگران را تقویت نموده ،  
 و به آن جهت می داد . شاعر در این  
 مرحله شوری دیگر در سردار دواشعار  
 وی رنگ و بویی دیگر ، اوجای

اشعار تغزلی دوران جوانی با  
 آثار حماسی چون "بگلر" ، "باردغر"  
 "بارالی بگلر" ، "بیگیتلر"  
 "قوجا قلاز" و ... خلق ستم دیده خود  
 را مورد خطاب قرار داده ، آنان را  
 به پیکار بی امان علیه استیلاجویان  
 فرامی خواند . اشعار شورانگیز  
 و توانمندوی توده های به بند  
 کشیده شده را به شور و هیجان  
 می آورد . اعتماد به نفس و تهور در  
 وجودشان می آفرید و توان رزمی شان  
 را بالامی برد . دیگر ، بند بند  
 اشعار سیدی به شعار پیکار علیه  
 ستم و استبداد بدل گردیده و خود  
 شاعر سردار پیشاپیش همه حرکت  
 نموده و مبارزه عادلانه خلق  
 را بر علیه استیلاگران رهبری  
 می کند .

واطان اوچین چقدم غیر آت او ستونه  
 تا جانم چقیانچا دو نمه نم بگلر  
 دیکدیر سریم ، دو شمه ندوشمان استغنا  
 سیل دی آقسا ، غاندان دویمان نام  
 بگلر

ترکمنهای "آرسازی" پیکارهای  
 سخت و سرنوشت سازی را تحت رهبری  
 یهای شجاعانه سردارانی چون  
 سیدی علیه امیر آرمند و جنایت  
 پیشه بخارا پیش می برند . اما  
 سرانجام بر اثر خیانت های  
 برخی از سران قبایل ، خانها و  
 روحانیونی که از طرف امیر خرید  
 شده بودند ، شکست می خورند و سران  
 آنان برای مدتی مجبور به ترک  
 دیار روداع با موطن عزیز خویش  
 می گردند .

سیدی نیز در سال ۱۸۲۳ با سرودن  
 شعرتاریخی خود بنام "خوش ایندی"  
 (بدرود) مجبور می شود با سرزمین  
 محبوب و زینایی که در آغوش آن  
 نشوونمایافته بود ، با باغها و  
 مزارع سرسبز ، با آب و هوا

گرفتند، به این راه گام گذارد. او اختری تا بناک و همرزمی شایسته برای آنان بود و جز در راه مردم خویش در راه دیگری گام ننهاد و گنجینه غنی ادبیات ترکمنها را غنای بازهم بیشتری بخشید. وی علاوه بر اشعار غنایی بنا به نیاز زمان خویش اشعاری با مضامین اجتماعی - سیاسی و رهنمودی سروده است و علاوه بر مجموعه اشعار داستان زیبا و بلندی به نظم و نثر بنام "غوشا پودا غنم" را نیز خلق کرده است.

خلق ترکمن ارج و مقام ویژه‌ای برای شاعر محبوب و سردار ملی خویش سید نظر سیدی قائل است و امروزه نیز اشعار او را رزشمند و دلآوری و مبارزه جویی سیدی راهنمای ترکمن‌هاست.



\* - قرباندردی ذیلی شاعر مبارز و میهن پرست و خواهرزاده مختومقلی فراغی دریکی از پورشهای غارتگرانه خان خیره بنامه "قارری قالا" و حومه ترک بنامه اسارت وی در آمده و مدت ۷ سال در خیره به حالت اسارت بسر می برد. این دوشا عرو همرزم تا واپسین دم حیاتشان رابطه خویش را حفظ می کنند. آنان پیوسته پیرامون مسایل مبرم زمان و سرنوشت خلق ستم دیده خویش به مشورت می نشینند.

عماراتی که محصول رنج و کنار زحمتکشان جامعه ستم دیده اش بود و داع نماید. وی به همراه عده‌ای از یاران خود راه خیره را در پیش می گیرد و در آنجا با شاعر مبارز دیگری ترکمن "قرباندردی ذیلی" که آن زمان در اسارت خان خیره بسر می برد، ملاقات می کند. در مدت کوتاهی دوستی بین این دوشا عرو مبارز که آرمانهای مشترکی آنان را به یکدیگر پیوند می داد، آنچنان تعمیق می یابد که به رسم ترکمنها پیمان برادری با هم می بندند. سیدی بزودی در می یابد که مظالم و سیه کاریهای خان خیره نیز دست کمی از امیر بخارا ندارد. لذا درنگ را جایز ندانسته از خیره به سوی "قارری قالا" و حومه های ترک و و گرگان هجرت می نماید. وی در آنجا نیز یک لحظه دست از مبارزه نمی کشد و در کلیه نبردهای استقلال طلبانه خلق ستم دیده علیه خانها و فئودالهای تجار و زگرفعالان شکرک و ورزیده و سرانجام، زندگی خود را نیز قهرمانانه نثار این راه مقدس و آرمان والای خود نمود. درباره مقام ادبی شاعر گرانقدر سیدی در تاریخ ادبیات خلق ترکمن می توان گفت که سیدی چون استادان شگفت هنر و سخن نیمه اول قرن نوزدهم کمینه، ملانفیس، ذیلی و... که ایده های مترقی و مردمی شاعر و رهبر محبوب خلق خویش مختومقلی فراغی را پی



# توضیحی پیرامون متون ترکمنی

خواننده گرامی !

داده می شود، مانند :  
 یول = راه ، جاده ، دُون = لباس  
 جامه بوش = خالی سوزا = بیرس  
 توی = جشن

جهت نگارش مطلوب و خواندن و تلفظ صحیح تر متون ترکمنی برخی قواعد استفاده از الفبای فارسی - عربی را که در متون ترکمنی در نشریه "ایل گوچی" مورد استفاده قرار می گیرد، در زیر یادآور می شویم. و تلفظ صحیح علائمی را که بکار می رود به چاپ می رسانیم. تقاضای کنیم در توضیح و آموزش آنها به دیگر علاقمندان تلاش نمایید.

\* - صدای (اؤ) مثل اولین صدادرکلمه اؤی = خانه ، اؤسمک = رشد کردن این صدا چنانچه در اول کلمه باشد، به شکل (اؤ) نشان داده می شود. مانند :  
 اؤنمک = تولید شدن ، بار آمدن  
 اؤلمک = مردن اؤکجه = پاشنه  
 اؤیلنمک = ازدواج کردن ، زن گرفتن  
 اؤتن = گذشته اؤچمک = پریدن  
 خاموش گشتن

در دیگر حالات این صدا به شکل (ؤ) نشان داده می شود. مانند :  
 دؤکمک = ریختن ، بؤکمک = پریدن سوء کمک = باز کردن  
 چؤرک = نان ، بؤلمک = تقسیم کردن ، بؤرک = پیراشکی  
 لازم به یادآوری است که صدا های (اؤ) و (اؤ) در کلمات ترکمنی فقط در سیلاب اول بکار می روند.

\* - صدای (او) مثل اولین صدادرکلمه اون = آرد ، اوچماق = پرواز کردن  
 مانند :  
 اولی = بزرگ ، اوچ = پرواز



بعضی صدا های غیر متحرک (چکیم سیزس لر) و طرز نوشتن و تلفظ صحیح آنها :

\* - صدای (اؤ) مثل اولین صدادرکلمات اوق = تپیدن ، اؤد = آتش این صدا چنانچه در اول کلمه باشد، به شکل (اؤ) نشان داده می شود. مانند :  
 اؤن = ۱۰ اؤبا = روستا  
 اؤغلان = پسر اؤیلانمماق = اندیشیدن اؤراق = داس  
 اؤرماق = درو کردن ، اؤقلامماق = انداختن ، پرتاب کردن در دیگر حالات این صدا به شکل (ؤ) نشان

اثرماق = راضی کردن ، معتقد  
کردن ، اثرانماق = تکان خوردن  
جنبیدن

در وسط کلمه این صدا به شکل  
( ک ) و در آخر کلمه به شکل ( کِ )  
نشان داده می شود ، مانند :  
سغغز = گا و قلمماق  
= کردن ، بجا آوردن سغغماق  
= فشردن سغغزماق = شکستن  
دئرنماق = ناخن آغئر = سنگین  
غویی = چاه دایی = دایی

بعضی صدا های متحرک ( چکیملی  
سس لئر ) طرز نوشتن و تلفظ صحیح  
آنها :

\* - صدای ( ق ) مثل اولین صدا  
در کلمه قاقا = پدر بزرگ ، قاقماق  
= کوبیدن . این صدا که با تاکید  
تلفظ می شود ، آخر کلمه با ( ق ) و  
در دیگر حالات با ( ق ) نشان داده  
می شود . مثالها : قووماق = اخراج  
کردن ، قاقماق = بستن ، دوق = سیر  
دوقما = دارقالی

\* - صدای ( غ ) مثل اولین  
صدا در کلمه غغز = دختر ، غایما =  
پرتگاه ، این صدا در آخر کلمه با  
( غ ) و در دیگر حالات با ( غ ) و ( غ ) نشان  
داده می شود . مثالها :

غوری = خشک ، غویی = چاه  
غولاق = گوش ، سؤغورماق = کشیدن  
کشیدن چاغئرماق = صدا کبیدن ،  
یغغئرماق = مجاله کردن

کن اوتانماق = خجالت کشیدن  
او قلاماق = خوابیدن ، بخواب  
رفتن

در دیگر حالات این صدا به شکل  
( و ) نشان داده می شود ، مانند :  
یومشاق = نرم ، سوارماق  
= آبیاری کردن ، سوپرا = سفره  
تورماق = بلند شدن ، بپاخاستن  
توتماق = گرفتن ، دوز = نمک

\* - صدای ( اؤ ) مثل اولین  
صدا در کلمه اؤچ = ۳ اؤزوم =  
انگور این صدا چنانچه در اول کلمه  
با صدای شکل ( اؤ ) نشان داده می-  
شود ، مانند :

اؤزمک = کندن اؤیشمک  
= جمع شدن ، اؤلکه = سرزمین  
اؤست = بالا

در دیگر حالات این صدا به شکل  
( و ) نشان داده می شود ، مانند :  
دوویه = شتر دؤزگون = نظام  
دؤز = صاف ، هموار ، دشت دوویب  
= ته دؤرلی = گوناگون یؤپک  
= ابریشم تؤکنمک = تمام  
شدن

لازم به یاد آوری است که  
صدا های ( او ) و ( اؤ ) در کلمات  
ترکمنی فقط در سیلابهای اول و  
دوم می آیند :

\* - صدای ( اک ) مثل اولین  
صدا در کلمه اشئق = نور ائنام =  
ایمان ، باور اثرماق = دور این  
صدا چنانچه در اول کلمه با صدای  
شکل ( اک ) نشان داده می شود ،  
مانند :

ائسغئن = توان ، نا ، حال .





# ترکمنصحرا نئمگ سوشجنگ

## وقهرمان اوبا زحمتکش لری!

بیلن غولدادیلار. وطن میزینگ  
اهلی زحمتکش وقهرمان خالقلاری  
کرد حالقی دیر، یلوچ حالقی  
فارس حالقی دیر، آذربایجان  
خالقی وبیله کی لری، دوغانلق  
بورچلارینی، دؤلی هوس بیلن  
یرینه یه تیریپ، هر بیر انقلابی  
حرکتی نگیزده آل لرینده بار  
کومگی غایقهرمان، سارسماز  
داغ بؤلۆپ، سیزه آرقادوردیلار  
داغدان آرقاسی پولانئنگ،  
داشدان یورگی

دیه نی یالی، تورکمن خالقی  
انچمه یئل لار، آغئرسؤتم لرینگ  
آستیندا بیللی بؤکره لیب  
گړشی جوئ کسه ده، آیفئدلی ادملری  
ادمک اوچین، هایباتلی قاماتین  
ادرمن لیک بیلن دیکلدی مگینی  
باشاردی.

وطن میزایرانئنگ قهرمان  
خالقلاری، بیک ماقصادلاری پولان  
اؤزارکین لیک، آزادلق  
وعادالاتلی دورموش اوغرونئدا،  
کؤنگؤلدشلیک، یورکدشلیک  
واغزی بیرلیک آرقالی بیگرنجی  
پهلوی رژیم نینگ غانلی هایبا.  
تلایندان هیچ حیللی غورقینی  
یورک لرینه یول برمان، تولقون

کؤنگول لری، یورک لری، بیربولوب  
باشلار  
تارتسایئعن، ارارتوپراقلار -  
داشلار  
بیرسوپرادا، تاپیارقئلئنسا آشلار  
گوتریلراؤل ائقبالی تورکمنینگ  
"مختومقلی براغسی"

سیز ۲۲ - نجی بهمن انقلابی  
نینگ دؤورینده، عزیزوطن  
میزینگ اهلی زحمتکش وگورشجنگ  
خالقلاری بیلن بیله لیکه، مردانا  
آیاغالدینگیز، انقلابنگ بیک  
ماقصادلاری نئنگ اوغروندابلر  
غوجیرغایراتی نگیزبیله میدانا  
گلیپ، موغت خورفئودال لاردئر  
اولی سرمایه دارلارا غارشی توتان  
یرلی گورشدینگیز. بواولی هم  
تاریخی گورشده، سیزکؤپ اؤستون  
لیک لرغا زانئپ کؤپ تایدان یل  
لار بوی نی ناما ردلارینگ خائیل لری  
بیلن کوی لرن خاقلاری نگیزی  
غایتادان دیرلدیپ ایله ماگه  
باشلادئنگیز. شهرد آکی دوغانلار  
ئنگئز بوسا، ایشچی لردیئر،  
معلم لری، اؤکووچلار دیرکارمندلر  
وصیادلار دیر بیله کی زحمتکش لری،  
حتی کاپیراچیق پیکرلی روخانی  
لارجانلارینی مال لارینی آیامان  
بو حاق یولینگیزدا، سیزی آق یورک

آتيب باريان غا ضابلي جوشغىسن  
سىل كمين، زنجيرلارى غىرئىب  
بووتلرى بۇوسىپ  
يوق بۇلسون ظالم شاه، اوندان  
سۇنگرا امريكا

ديپ خائن محمدرضا شائينىگ  
اولى ايلينگ غانى بيلن بويۇ -  
لون تاختىنى اگسىلمزغاضا بلارى  
بيلن دۇنگ درديلر، شيله ليك  
بيلن عزيزوطن ميزينگ سوشىنگ و  
قهرمان حالقلارى، غار انگقى  
گجائينگ غاراپرده سىنىقى  
يىرتىپ، ياختى گونه چىقان  
يالى بولدىلار، حاقيقاتدا - دا  
اولى اينىگ گۇيجى بيلن ياغتى  
گونه چىقىپ دىق .

تۇركمن حالقنىگ فرهنگى  
وسياسى كانونى دۇره دىلىدى  
سىزا اوزانقلابى اوباشورالارنىگىزى  
غورا دىنگىز، تۇركدشلىك بيلن  
بارانقلابى گۇيجى گىزى اوز -  
الينگىز بيلن غوران حاقيقىنى  
شورالارنىگىزا سىنگىردىنگىز  
نتىجه ده بوانقلابى شورالارقالى  
غانخور فتودال لاردان بىرلارنىگىزى  
غايتارىپ آلشپ باشلادىنگىز  
تۇركمن حالقنىگ فرهنگى  
وسياسى كانونى وتۇركمنصحرا  
شورالارنى نىنگ مركزى ستادىنى  
دولاندىرىپان گرچك يگىت لىر، گىجه  
گۇندىزدىمان، ساوق اسسى نى  
بيلمان، اۇزسۇيجى جانلارنىندان  
مايا غويوپ ايلينگ بهيىدى  
اۇچىن چالغش دىلار .

بواولى هم داپارالى تاريخى  
واقالار، حالقنىگ كۇنه دوشمانلارى  
بولان فتودال لاردىر سومايه دار  
لارنىگ گۇنلرينه يوقما زىباردا  
دورسون غايتام اولارنىگ غارا  
ايچلرىندن غان گچىرىباردى  
ايرانىنگ پۇتىن جىرچكن زحمتكش  
حالقلارى اۇچىن، دۇستلار گۇلۇپ

دوشمان دلار آغلايان دۇورانى  
گىلن يالى بولويدى واطان ميزينگ  
اهلى كۇنچك لىرىنده انقلابنىگ  
يوقىملى ناغمالارى، جانلاراجان  
غوشوپ آسمانلاردا يانگلانىاردي  
انقلاب باغى، بىردال، يوزدال،  
مۇنگ لىرجه شهيدلرىنگ غانى بيلن  
سوارىلغىپ، اۇسۇپ، يانگى گۇل  
لايدى، بىرىنگ گۇزل تۇركمنصحرا  
اوازا گلىپ دى، دوتارىمزدىل  
له نىپ، قىچاقىمىز سايراپ  
باشلايدى، انقلابنىگ ساي سىندا  
گۇنىمىز گۇن، تويمىز توى بۇلۇپ  
اوغرايدى .

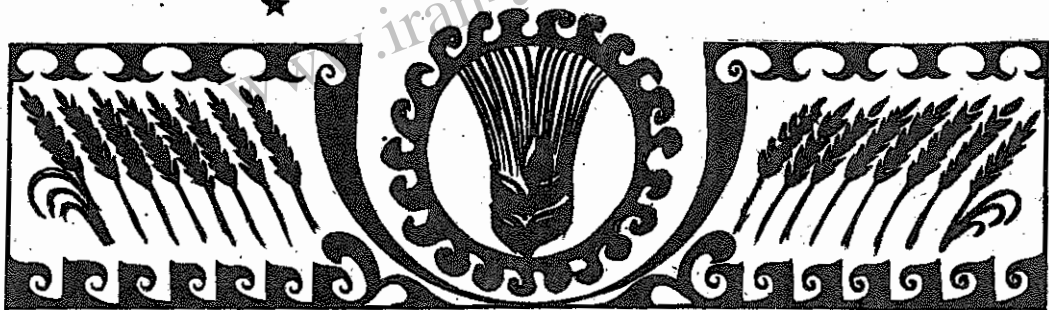
غاراكچه آق بولماز، كۇنسه  
دوشمان دوست بولماز

دىبهنى يالى، سىز بيلن هيچ  
هاجان دوست بولۇپ بىلمه چىك،  
يالى ياماق فتودال لاروا ولى  
سومايه دارلار حالقنىگ غاضا بىندان  
غورقوب، هرغايىسى بىردشىگه سۇ -  
مۇلىيدىلر . اما، جلا دىمىنى  
تورانان، حيله گارلىك بيلن  
دېنىنى ياها نالاپ يوردىمىزىنگ  
اهلى زحمتكش لىرىنى آلداساق  
ماقصادى ايزارلاپ انقلابىا و  
اۇنىگ حاقيقى ايهسى بولان  
اولى ايلاننا خيانت اديپ باشلارى  
اول اوزياپچى لارى بيلن بىله  
لىكده دورلى مكرلر ارقالى  
حاقيقى انقلاب چى لارى يوقاتمىك  
نىتى بيلن بوتىن ايران حالقنىگ  
گورشىنگ وانقلابى گۇچك لىرىنى  
غىزىل غانا بويادى .

اول بىرطاراپ - وان سىز  
گۇرشىنگ وقهرمان تۇركمن اۇسا  
زحمتكش لىرىندان اۇج المىغ  
اۇچىن تۇركمنصحرانى ايكى  
گىزك غانا چايقادى و اۇنونگ ايزى  
بيلن تۇركمن حالقنىگ انقلابى  
اۇغلانلارنىندان لىپنه ايله نىسى  
يولساتوتوب، رحم سىزلىك بيلن

آغزی بیره تانگری بیر  
 آغیز آلاشی غانگری بیر  
 دیه نی یالی آغزی بیبرلیک  
 بیلن جلا دخمینی نینگ اوروش ،  
 اؤدینی توتاشد فرجی سیاستی  
 نا غارشی دورینگ ، اؤغـلان  
 لارنگیزی جبهه لره غویبرمانگ  
 اوبانگیزده افتودال لاریول برمانگ  
 اوباشورا لارنگیز اخمینی نینگ  
 آدام لارینی گیردیرمانگ . اوبا-  
 شورا لارنگیزی اؤز حاقیقی وکیل  
 لرینگیزی سه چنگ وشيله لیک بیلن  
 گلینگ شادلیقلاریمیزی یاسا  
 دؤندر یب دوران غار انگتی گیجا-  
 نینگ غار اپرده سینی بووسیب ،  
 یاغتی گونه چیقماق اوجیمن  
 عزیز واطا نیمزایرانینگ بیلرکی  
 گؤرشچنگ وزحمتکش حالقلاری بیلن  
 بيله لکده ال الہ بریب جلاد  
 خمینی و اؤنونگ رژیم نیسگ  
 ترسینه آلیپ باریان سوشی میزی  
 بارها گویچلندر یلینگ .

آتدی یادا زندانا بادی وینه بیر  
 طاراب- دان یارالی یلانلارنگ  
 یارالارینا مرحم یاپیپ فتودال  
 لاری و سرما یه دارلاری حؤره لاپ ،  
 کؤشه لما گه باشلادی ایندی بولسا  
 بوواقلاردان آلتی ئیلاغـولای  
 گجیب باریار ، ایندی بولسا ، جلاد  
 خمینی و اؤنونگ یالچی لاری ننگ  
 بؤرنجک لری بییریاناسریلیپ  
 اولارنگ حاقیقی پیگرنجی یوزلری  
 حالقنک دوغری غارشی سیندا دور .  
 تورکمنصحرا ننگ سوشچنگ اوبا  
 زحمتکش لری  
 جمهوری اسلامی رژیمی بؤتین  
 زحمتکش لرینگ حاقیقی دوشمانی ؛  
 بورژیم سیزینگ گونه دوشمانلار  
 ئنگیزی یاغنی فتودال لاری و اولی  
 سرما یه دارلاری غوالدایارگؤر  
 شیمیزیالی بورژیم سیزینگ غان  
 بریب آلان برلرینگیزینگ غالان نی  
 - دا الینگیزدن آلیپ اؤنکی  
 غانخور فتودال لارا برک بولیار .



بیرلشمک چالیشماق اوستون ینگیش قازانماق

# سوء استفاده ارتجاع

## از فرهنگ و هنر

### خلق ترکمن



حکام مرتجع و کوتاه بین جمهوری اسلامی که شش سال حکومت نابخردانه و قرون وسطایی آنان ره آوردی جز فقر و مرگ و ویرانی برای مردم بلاکشیده ایران نداشته است، چون جغدهای شوم برویرانه های سرزمین کهن و تمدن پرورمان جا خوش کرده و با سما جتی دیوانه و اراهمچنان بر طبل منحوسی می کوبند که «از آن آوای شوم» جنگ، جنگ، جنگ تا نابودی شادی و حیات، «جنگ جنگ تا نابودی فرهنگ و تمدن بشری» می باشد، برمی خیزد، تو گویی این جانیان اهریمن خسو از تماشای خون و ویرانی و شیون و جبهه های دلخراش مادران داغ دیده و عروسان درسوک شوهرنشسته شاد و سرمستند.

این خائنین به خلق درجهت تحمیق توده ها و توجیه سیاستهای ارتجاعی خود به هر وسیله ای متوسل می شوند و از هیچ حیلله ای روی گردان نیستند، در این میان یکی از نا جوانمردانه ترین ترفندهای آنان سوء استفاده از باورهای مذهبی و فرهنگ و هنر مردم بعنوان اسلحه ای علیه خود آنان می باشد.

در راستای این سیاست مزورانه بود که آنان با رایزنی دشمنان قسم خورده خلق چون ساواکیها و آستانبوسان صاحبان زر و زور و با آگاهی به عشق و علاقه وصف نا پذیر که خلق ستم دیده ترکمن به ادبیات و موسیقی اصیل خود دارند، را دیوگرگان راهرچه فعالتر در خدمت اهداف اهریمنی خود در آورده اند. عوامل ارتجاع می کوشند تا ابتدا از راه های فریبکارانه توجه زحمتکشسان ترکمن را به این بوق ارتجاع جلب کنند و سپس بتدریج افکارشان را با مثنی لاطالات مسموم نمایند، بعنوان مثنی از خرواربه موارذی از این تلاشهای نفرت انگیز و مخرب در زیر اشاره می نماییم:

۱ - صحنه گردانان را دیوگرگان چندی پیش با کشاندن پای چند نفر از دست اندرکاران شعر و ادب ترکمنی یکی دوشست ادبی حساب شده و عوام فریبانه ترتیب دادند، در نشست اول گرداننده با گرفتن پزد مکرراتیک از شرکت کنندگان خواست تا پیرامون

ادبیات ترکمنی و فنون شعرسخن بگویند. شرکت کنندگان سعی داشتند، تا درباره مضمون و فرم شعر و خصوصیات شعرا صیل ویا لنده در حد توان خود، ضمن رعایت جوانب امنیتی، برای مردم ستمدیده و تشنه فرهنگ و هنر اصیل ترکمن صحبت کنند. اما گرداننده نشست برای اینکه مبادا شرکت کنندگان در میزگرد گریزی به اشعار پربار و پیکارجوی مختومقلی بزرگ، اشعار طنزآلود شاعر مردمی کمینده که افشار و روحانیون فریبکار راست، ویا اشعار شعرای انقلابی معاصر بزنند، مرتباً با طرح سئوالهای انحرافی صحبتهای آنان را قطع می کرد. وبعناوین مختلف بحث را منحرف می ساخت.

در دومین نشست که با زهم بنا شرکت همان افراد ترتیب داده شده بود، گرداننده برنامه شعرگویی را که سرتاسر آن در مدح خمینی آبرویاخته بود و ظاهر آن یکی از روستاهای غرب ترکمن صحرا ارسال گردیده بود در میان گذاشت و از شرکت کنندگان خواست تا این باصلاح شعرا نقد و بررسی نمایند. آنان مجبور بودند، با سلام و درود برخمینی باصلاح رهبر مستضعفان شعرفوق را از نظر فرم و مضمون بررسی و در پایان برای سرهم کننده آن آرا حیفاً آرزوی موفقیت نمایند. بدین ترتیب گردانندگان برنامه رادیو با چنان زمینده چینی های مزورانه افراد خوشنام و ترکمن های مورد احترام خلق ترکمن رابه ستایش خمینی که پایگاهی در میان مردم ترکمن صحرا ندارد، و امیدارند و به این ترتیب می کوشند برای رهبر خود آبرویی دست وپا کنند و بیسوء استفاده از شعرو ادب ترکمنی

مردم فریبی نمایند.

۲ - از میان اشعاری که ظاهراً ارسال می گردد، بدون توجه به کیفیت آنها، تنها اشعاری از رادیوگران خوانده می شود که در مدح حکام خیانت پیشه و تبلیغ جنگ، خانمانسوز ایران برپا داده نوشته شده باشد، تنظیم کنندگان برنامه های ترکمنی رادیوگران بدینوسیله از یک سوتلاش می ورزند تا خصلتهای مذمومی چون مداحی و فرصت طلبی رادربین مردم ترکمن صحرا رواج دهند و از سوی دیگر فرهنگ غنی و ادبیات انقلابی و اصیل خلق ترکمن را که سراسر مملو از شور و مبارزه علیه دشمنان مردم است به ابتذال کشانند و ادبیات درباری و مدیحه سرایی رابه جای آثار غنی و پربار ادبیات ترکمن تحویل مردم دهند.

۳ - "آیدیمها" این ترانه های مردمی و فولکلوریک خلق ترکمن که آمیزه ای زیبا و جاودانه از اشعار و آهنگهای شعرا و "با خشی" های خلقی و مبارز می باشد و مستردم ستمدیده و زحمتکش ترکمن طی قرون و اعصار چون مردمک چشمان خود از آن پاسداری نموده و تا روزگار ما رسانیده اند و همواره گرمی بخش بزم و نیروبخش رزم آنان بوده است، اکنون توسط گردانندگان مزدور رادیوگران مسسخ گردیده، با اشعاری مایه و ارتجاعی که سرتاپای آن ستایش نفرت انگیز دستگاه خلافت جباران زمان و جنگ خانمانسوز می باشد به خورد مردم بلاکشیده ترکمن داده می شود.

۴ - مضمک تروبی شرمانه تر از همه برنامه های بود که در آن تحلیل گونه ای از "لاله" (ترانه دختران و عروسان) که یکی از شاخه های

بسیار زیبایی فولکلورغنی خلق  
 ترکمن می باشد، آرایه گردید،  
 سرتاپای این ترانه ها پرازسوز و  
 گداز اعتراض به ستمهای  
 وحشتناکی می باشد که طی  
 قرون برزنان وارد آمده است .  
 گرداننده این برتانه چنان بادیه  
 غیب انداخته و با آب و تاب از  
 مطالبی که در گذشته در حق زنان  
 روا گردیده بود، داد سخن می داد  
 که گویی در سایه رژیم خمینی جبار  
 دختران و زنان از آن همه فلاکتها  
 رها گردیده و به آزادی و خوشبختی  
 رسیده اند! زهی بی شرمی! در این  
 عرصه دیگر رژیم ارتجاعی رسوای  
 عام و خاص بوده و با اعمال  
 سیاستهای بغایت ارتجاعی  
 و بی شرمانه در حق زنان آزاده  
 میهنان، چنان ددمنشانه شخصیت  
 و حیثیت آنان را گد مال نموده اند  
 که به قول معروف "آظهر من الشمس"  
 می باشد و احتیاجی به تعبیر و  
 تفسیر ندارد و با هیچگونه هوچیگری  
 نیز نمی توان نعل و آرونده زد. اگر  
 مفهوم بند بند لاله ها را از نظر  
 بگذرانیم، چنان است که گویی  
 دختران بلاکشیده ما از پشت دیوار  
 قرون درست حکام بی خرد و سنگدل  
 جمهوری اسلامی را مورد خطاب و لعن  
 و نفرین قرار داده اند.  
 دختران و زنان آگاه و مبارز  
 تبرکمن که مانند همه زنان  
 زحمتکش میهنان دلی پر خون  
 از این رژیم ضد انسانی دارند،  
 بدون تردید به این یاوه گوییهای  
 ارتجاع پوزخند می زنند و نفرشان  
 صدچندان می گردد.  
 شعرای مبارز و انقلابی،  
 روشنفکران و ادیبان مبارز و  
 دموکرات ترکمن صحرا دست  
 اندر کاران فرهنگ و ادب خلق  
 ترکمن

شما میراث داران ادبیات و  
 فولکلورغنی و بالنده خلق  
 خود می باشید. وظیفه وجدانی به ما  
 حکم می کند تا کوششهای مذبحخانه  
 عوامل کوردل و فرهنگ ستیز رژیم  
 جمهوری اسلامی را در جهت مسخ این  
 میراث گرانبها و مقدس و بکارگیری  
 آن در جهت تحمیق و استثماری  
 زحمتکشان خنثی نماییم و نگذاریم  
 تا شور و استعداد جوانانمان را  
 منحرف سازند. تاریخ به ما آموخته  
 است که در سینه گرم و وطن شده  
 زحمتکشان جایی برای مباحان  
 حکام جابروکا سه لیسان خداوندان  
 زورور نیست. امواج خروششان  
 دریای خلق هر آنچه را که از خود  
 نیست هر آنچه را که منادی حق  
 و حقیقت و بیانگر خواستها و نیازهای  
 آنان نباشد به لجن زاران ساحلها  
 خواهد سپرد. توده های خلق  
 ستم دیده و مقاوم ما آثار شعرا  
 و اندیشمندانی چون مختومقلسی  
 کمینه، ملانفس، سیدی و... را تا  
 ابد در سینه خروشان خود زنده نگه  
 می دارند. چرا که آنان مبارزینی  
 پیگیر و بیارستمدیدگان بوده اند  
 و با شجاعت و هنرمندی تمام علیه  
 ستمکاران و زورگویان قد علم  
 نموده خلق را به مبارزه متحد علیه  
 آنان فرا خوانده اند. چرا که آنان  
 کوس رسوایی قضات و روحانیون  
 فریبکار و فرصت طلب را بی هیچ  
 اغماضی بر بام زمان خود  
 نواخته اند. چرا که آنان خود را  
 پرشورترین میهن پرستان بوده،  
 شور و میهن پرستی و آزادی را در دل  
 جوانان برانگیخته اند، بکوشیم  
 تا شایسته نام "ادامه دهندگان  
 راه این فرزندان باشیم"  
 البته ارتجاع ناتوان ترازان  
 است که فرهنگی را که از آلائهای  
 دهشتناک تاریخ و از گردنه های

سنگلاخی اعراب ، مغول ، نادر و پهلوی سربلند گذشته است ، خدشه دار نمایند . امروز دیگر ادبیات و فولکلور ترکمنی نیز همانند فرهنگ بسیاری از خلقها در سطح جهانی تثبیت گردیده و خود را بعنوان فرهنگی پویا و بالنده به جهانیان شناسانده است . آشنایان ارزشمند و اصیل شعرا و نویسندگان کلاسیک و معاصر ترکمنی به اکثر زبانهای زنده دنیا ترجمه و استقبال پرشور ادب دوستان سراسر گیتی و روبرو گردیده است . با خشی های خلقی و مبارز (خلق باغشیلاری) !

شما از سلاله ایرمردان شگفتی چون " حاجی قولاق " ، " شکور باغشی " ، " گونی بک " ، " جوو دیر باغشی " و ... می باشید ، ایرمردانی که هم خالقین بخش عمده موسیقی ملی و هم حافظین و حاملین تقریباً تمامی ادبیات و فولکلور خلق ستمدیده ما بوده اند . آنان همگی از میان زحمتکشان جامعه برخاسته و پیشاپیش آنان پیکاری جانانه و بی امان علیه دشمنان خلق را بطور خستگی ناپذیر و نسل اندر نسل پیش برده اند . آنان ثابت کرده اند که " با خشی خلق " هرگز " با خشی خان " نخواهد شد و موسیقی جوشیده از دل زحمتکشان هرگز به تداوم خلافت جباران خدمت نخواهد کرد و آنان با غرور و سربلندی از شرافت و حیثیت استادان و پیش کسوتان خود دفاع نموده اند " حاجی قولاق " این باغشی قهرمان حتی قطع شدن دست راست خود را بزرگ نواختن دوتا ربر برای خان ستم پیشه ترجیح می دهد . در حفظ سنت پاک پیش کسوتان خود بکوشید و نگذارید تا سرسپردگان حکام مرتجع و فرهنگ ستیز ، موسیقی اصیل ما را با اشعاری

ارتجاعی و ضد مردمی آلوده نمایند . بدون تردید با خشی های خلقی ما هرگز با اجرای ترانه با چنان اشعاری به منادیان و مبلغین ارتجاع تبدیل نخواهد شد . آنان همچون " عاشیق " های آذربایجان همواره و حتی در سیاه ترین دوران استبداد آریا مبری با توده محروم جامعه بوده ، به همراه نوای سحر انگیز دوتا ر خود در دها و رنجهای آنان را فریاد کشیده و آنان را به اتحاد و همدلی و مبارزه علیه ظلم و بی عدالتی فرا خوانده اند و هم اکنون نیز بدرستی دریافته اند که جایگاه شایسته شان نه پشت تریبون رادیوگران ، ایستگاه بلندقوی ارتجاع ، بلکه آغوش گرم زحمتکشان و خلق ستمدیده خودشان می باشد . بهمین علت نیز آنان مورد خشم دشمنان مردم واقع می شوند و درست هنگامی که قصد اجرای ترانه های اصیل برلی توده مشتاق در محل برگزاری جشنهای عروسی را دارند ، با یورش وحشیانه او باشان تفنگ بدست رژیم بهمراه دامادی که آنان را دعوت نموده است ، بازداشت می شوند

خلق مبارز ترکمن با تجربه تلخی که از شش سال حکومت این خائنین فرهنگ ستیز دارند ، خوبی و بدرستی دریافته اند که آنان نه تنها مروجین فرهنگ و ادب اصیل نیستند ، بلکه با هر چیزی که در قالب تنگ و پوسیده خودشان ننگد سرستیزان رندوبه هر پدیدهای که تسانه شور و سرزندگی باشد ، کینه حیوانی می ورزند .

آنان که مزدوران افسون شده اشان ، در مقابل چشمان حیرت زده ما ، مغول وار به " کانوون

می توانند مروجین فرهنگ و هنر  
اصیل و بالنده خلق ما باشند؟  
بخش ترکمنی رادیوگران نیز به  
تبع این سیاست وظیفه ای جز  
خدمت به رژیم ارتجاعی و سرسپرده  
بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران  
ندارد.

خلق مبارز ترکمن بخوبی  
آگاه است که شکوفایی فرهنگ  
و هنر ملی خلقهای میهنمان تنها در  
شرایط وجودیک نظام دموکراتیک  
و شناسایی حقوقی ملی و فرهنگی  
خلقهای میهنمان مشحوق خواهد  
شد. رژیم جمهوری اسلامی دشمن  
خلقهای میهن ما و ضد فرهنگ ملی  
و هنر مردمی است. و با زور سرنیزه  
می خواهد افکار پیوسیده و ارتجاعی  
خویش را به خلقهای میهن ما  
تحمیل کند. خلق ترکمن علیه این  
تحمیلات و رژیم ارتجاعی جمهوری  
اسلامی که پیش برنده آن است به  
مبارزه می نگیرد.



به دهقانان یاری دهند و در جهت  
تامین امکانات شخم و کشت برای  
دهقانان تلاش ورزند.

در پیشبرد این مبارزه جوانان  
روستایی که فعال ترین نیرو در  
روستاها هستند، نقش بسزایی  
دارند. آنها باید در حمایت و تقویت  
شوراهای مردمی و در افشاسازی  
سیاستهای ضددهقانی حاکمیت  
بکوشند. اخبار و رویدادهای  
مربوط به روستای خود را در سطح  
منطقه انعکاس دهند و در جهت  
همبستگی هر چه بیشتر روستاییان  
و شوراهای آنها در مبارزه علیه  
بزرگ مالکان و حاکمیت تلاش  
ورزند.



فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن  
یورش آوردند، و با حرکت  
وحشیانه ای که عاری از هرگونه  
خرد و درایت انسانی بود، نمایشگاه  
هنری و ادبی ما را به آتش کشیده  
مردم ساده و زحمتکش و جوانان  
انقلابی را در پیای آن قربانی  
نمودند، هیچ سرسازگاری با فرهنگ  
ملی و هنر مردمی خلق ترکمن  
ندارند و نسبت به خواستهای ملی  
و فرهنگی خلق ترکمن و سایر  
خلقهای میهنمان کینه حیوانی  
می ورزند.

آنان که تمامی مواد قانون  
اساسی مصوبه خودشان، از جمله حق  
تحصیل خلقهای ایران به زبان  
مادری در مدارس ابتدایی را با  
بی شرمی یک نظری چون ورق  
پاره ای زیرپا نهاده اند و تمامی  
کتابفروشیها و استودیوهای بخش  
نوار ترکمنی را بسته اند، چگونه

### فصل کشت

آنان را به شکست خواهند کشاند.  
در این مبارزه دهقانان باید به  
گردشوراهای مردمی خود حلقه  
بزنند و آنها را در پیشبرد وظایفشان  
یاری کنند و از اقدامات مردمی  
شوراهای بصورت یکپارچه حمایت کرده  
و در اجرای کارها با شوراهمکاری  
کنند. شوراهای مردمی نیز بعنوان  
تبلور اراده توده های روستایی  
نقش اصلی را در هدایت و سازماندهی  
مبارزات دهقانان بعهده دارند.  
با توجه به فرارسیدن فصل کشت  
و هجوم بزرگ مالکان به روستاها،  
شوراها باید جهت کشت به موقع



# اخبار و رویدادهای

## ترکمن صحرا

### جلوگیری رژیم

از برگزاری مراسم عروسی

مرکزی شوراهای ترکمن صحرا اعلام می کنند. مردم بشدت از این افراد منزجر هستند. همچنین در مجالس عروسیها، شومنها را مجبور می کنند که به نفع جنگ تبلیغ کنند و در مورد ضرورت کمک به جبهه صحبت نمایند. رژیم که پایگاهی میان خلق ترکمن ندارد و قاعدتاً نرسیده است از مراسم عروسی سنتی ترکمن ها جلوگیری کند، مذبحا نه می کوشد تا تمامی مجالس ترحیم و عروسی را توسط عوامل خود کنترل کند و از این طریق مردم را از برگزاری اینگونه اجتماعات و مجالس منصرف نماید.

### آزار و اذیت دختران دانش آموز

در مدارس دخترانه منطقه دختران محصل شدیداً زیر کنترل و تضيیقات هستند. آنها را وادار می کنند تا از لباس های سنتی خود استفاده نکنند و مقنعه به سر کنند و مانند نایب های بیوشند. در مدارس ابتدایی کاملاً از مقنعه و مانند و در دبیرستانها از مانتو استفاده می شود. اگر یکی از دختران ترکمن علاوه بر مانتوی اسلامی روسی ترکمنی به سر کند به بهانه های گوناگون از مدرسه اخراج می شود. مثلاً در آق قلا عده ای از محصلین را به همین دلیل

حاکمیت در منطقه خوانند بخشی ها در عروسی ها و دیگر مراسم را کاملاً قدغن نموده است. در پی اعتراض مردم ترکمن صحرا به این امر رژیم اجبا و اقبول کرد از این پس با اجازه سپاه بصورت محدود از "بخشی ها" استفاده شود. همچنین حاکمیت برای پیشبرد مقاصد ارتجاعی خود و تغییر جو جشنها عوامل خود را به مجالس عروسی مردم منطقه می فرستد و مانع از شادی مردم می شود و جشن عروسی سنتی آنها را خراب می کند و از جوانان امتحان ایدئولوژیک می گیرد و به برنده آن سما و روچراغ نفتی و ... جایزه می دهد. در اکثر عروسیها در بندر ترکمن آخوند عابدی، علی آخوند، ملاشاد وردی ایزدی (این فرد صحنه گردان عروسیها می باشد) و فردی بنام صحنه که یکی از عوامل رژیم است، شرکت می کنند. این اشخاص به شکل مبتذل بر علیه نیروهای انقلابی منطقه تبلیغ خصمانه می نمایند و وقیحانه و آشکار قصد خود را مبنی بر خنثی کردن اقدامات و مبارزات کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد

اخراج کرده اند. حتی دختران معلم و بهورزها نیز از این امر مستثنی نیستند. مردم منطقه از این اعمال ارتجاعی رژیم به تنگ آمده اند. و به این اقدامات ضد ملی حکومت اعتراض می کنند.

## ارگانهای

### سرکوبگر علیه انقلابیون

سیاه به محض مژگون شدن به افراد و یاد دریافت گزارش از فعالیت آنها اقدام به دستگیری آنها نمی کند، بلکه ضمن پرونده سازی، افراد را تعقیب می کنند. برای شناسایی کامل و پیداکردن رد تشکیلاتی و ارتباطی سیاه از تمامی ارگانها و نهادها مانند جهاد، هیات هفت نفره، انجمن های اسلامی و از خبرچینهای محلی که عمدتاً از مرتجعین حزب الهی هستند، در جهت شناسایی عناصر سر سیاسی و فعال بصورت گسترده استفاده می کند.

رژیم با گماردن جاسوسان خود در همه محیط ها و ایجاد جوارعاب و وحشت در منطقه می خواهد مانع از هرگونه اعتراض و مبارزه مردمی در منطقه شود، ولی علیرغم این تدابیر ارتجاعی خلق ترکمن از پای نمی ایستد. مردم ترکمن صحرایر زندان انقلابی خویش را حفظ می کنند و آنها را از گزند ساواک خمینی مصون می سازند.

### وضع زندانهای رژیم در منطقه

زندان "بویه" گرگان مرکز اصلی زندانیان سیاسی منطقه بویژه زندانیان سیاسی شهرهای گرگان بندر ترکمن، و آق قلا می باشد. در این زندان حدود ۲۰۰ نفر زندانی

هستند. بسیاری از افراد سیاسی منطقه را که در نقاط دیگر ایران زندانی بوده و یادستگیری کنند به این زندان منتقل نموده اند. در این زندان مزدوران و ساواکیهای رژیم به آزار و اذیت زندانیان می پردازند و حتی پس از محکومیت آنها را راحت نمی گذارند. بینه فداییان برای مصاحبه فشار زیادی می آورند و از همه وسایل برای شکستن زندانی سود می جویند.

### بازگشت زمینداران بزرگ

روابط فئودالها و سرمایه داران بزرگ محلی، با ارگانها و نهادهای دولتی، روحانیون ارتجاعی منطقه بسیار حسنه است. چند خبر از منطقه گویای این امر است. عبدالله آخوندزاده صاحب ۳۰۰۰ هکتار زمین در منطقه آق قلا و بی بی شیروان از طریق دادستانی گرگان و روحانیون ارتجاعی منطقه زمینهاش را پس گرفته و قسمتی از این زمینها را بعنوان کمک به رژیم مدافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، ظاهراً به حکومت بخشیده است.

اخیراً محمد دردی صحنه از زمینداران بزرگ منطقه حدودیک هزار هکتار از زمینهای غصبی خویش را پس گرفت. این فرد علیرغم مقاومت و مبارزه دهقانان با استفاده از روحانیون ارتجاعی و مقامات حکومتی در منطقه و ارگانهای سرکوبگر رژیم توانست به مقصود خود برسد.

### گسترش فعالیت انقلابی در منطقه

فعالیت نیروهای انقلابی و دموکرات در منطقه روز بروز افزایش

بیشتری می یابد و رژیم را بیش از پیش به وحشت می اندازد. اخیراً پس از پخش اعلامیه‌ها و تراکت‌هایی از جانب کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و سایر نیروهای انقلابی فعال در منطقه، رژیم سخت به وحشت افتاد. و به کنترل خویشتن افزود. بدنبال پخش اعلامیه‌ای در آق قلا سپاه مزدور راه‌های ورود و خروج شهر را مسدود کرده و به بازرسی عابرین پرداخت. شعار نویسی در شهر گنبد افزایش زیادی یافته است و رژیم را مجبور کرده تا اکیپ‌هایی برای پاک کردن شعارها درست کند. پس از پخش گسترده اعلامیه‌ها و تراکت‌های نیروهای انقلابی در منطقه، رژیم اقدام به دستگیری افرادی کند و آنها را مورد بازجویی قرار می دهد. علیرغم فشار رژیم، استقبال مردم از فعالیت‌های انقلابی در منطقه بسیار زیاد است. آنها اعلامیه‌ها و اخبار مبارزات را دست به دست می کنند و به گوش همه می رسانند.

### وضع بدکسبه ترکمن صحرا

رژیم که از نظر مالی سخت در مضیقه است، تجار بزرگ و گیلان سرمایه داران را رها کرده و به کسبه جزء فشار وارد می سازد. مالیات زیادی از کسبه جزء گرفته می شود. این در حالی است که بیشتر عمده فروشان از دادن مالیات شانه خالی می کنند. علاوه بر این هنگام تعویض پروانه کسب مبلغی به میزان ۵۰۰ تا هزار تومان بعنوان عوارض پیشه‌وری از آنها گرفته می شود. در شهر گرگان هنگام گرفتن جواز کسب مبلغ ۵ هزار تومان بعنوان حق پارکینگ مقابله مغازه، از مغازه داران می گیرند. همچنین هر دو هفته یک بار قبض

کمک به جبهه به مغنازده داران می فرستند. از لیبیاتی ها هر سال ۱۰۰۰ تومان و از بزازان ۲۰۰۰ تومان باج گرفته می شود.

حق پذیرش بیمار به درمانگاه دولتی در منطقه افزایش یافته و به ۸۰ ریال رسیده است. از این مبلغ ۵۰ ریال آن را بعنوان سهم امام جمعہ دریافت می کنند. مردم به این امر معترضند و می گویند رژیم بیشتر درمانگاه‌های روستایی را تعطیل کرده است. و مراجعین به معدود درمانگاه‌های شهر را هم که فاقد تجهیزات کافی و پزشک است به عناوین مختلف سرکشی می کنند.

### قاچاقچیان و رشوه خواران

#### در پناه مسئولان

بایرام آخوند سلاق مسئول سابق جهاد آق قلا که قبلاً بخاطر اختلاس برگنا رود ستگیر و زندانی شده بود، اکنون بعنوان حاکم شرع ترکمن صحرا منصوب شده و در دادگستری گرگان مشغول کار می باشد. این فرد در انتخابات مجلس در آق قلا با وجود تبلیغات وسیع حکومت کاری از پیش نبرد و کاندید شدن او با تمسخر مردم منطقه و بی آبرویی جمهوری اسلامی همراه بود. او اکنون مورد لطف و مرحمت مسئولان حکومت در منطقه است و بخاطر زدی و رشوه خواری پست و مقام گرفته است.

### مخالفت مردم ترکمن صحرا با جنگ

مردم ترکمن صحرا شدیداً با جنگ مخالفند و از دادن سربازی جبهه‌ها حتی الامکان خودداری می‌کنند



خودسریازی زنند، می باشند .  
در صورت عدم دستیابی به خود  
مشمول افراد خانواده آنها را دستگیر  
می کنند .

### وضع بدکارمندان

کارمندان زحمتکش در ادارات  
ترکمن صراحتاً از نظر مالی وضع  
بسیار بدی دارند ، حقوق آنها به  
هیچ وجه کفاف زندگیشان را  
رانی نمی دهد و مجبورند در ساعات  
فراغت به کارهای متفرقه  
بپردازند . علاوه بر اینها رژیم  
که با مشکلات مالی فراوانی  
روبروست ، حقوق آنها را به موقع  
نمی دهد . حقوق معلمین همیشه  
با چندین ماه تاخیر پرداخت  
می شود . و این امر مشکلات آنها را  
چندبرابر کرده است . کارمندان  
ادارات ترکمن صراحتاً این امر  
معترضند و رژیم را مسئول اینهمه  
نابسامانی می دانند .



البته فرزندان ثروتمندان با  
رشوه های کلان که از ۱۵۰۰ تا ۳۰۰ هزار  
تومان در نوسان است ، معاف  
می شوند . دوتن از واسطه های این  
باند در آق قلا بناهای قربان  
در دی توماج و خیرخواه ، شهره خاص  
و عام اند . همچنین مردم که تحت  
فشار شدید ارگانهای سرکوبگر  
رژیم برای اعزام اجباری  
فرزندانشان به جبهه ها قرار  
دارند از روی اجبار با دادن رشوه  
که میزان آن به حدود ۵۰۰۰ تومان  
می رسد ، می کوشند اعزام فرزندانشان  
به جبهه ها را به عقب بیاورند .  
ضمناً بسیاری از عناصر دمکرات را که  
با سیاستهای ارتجاعی رژیم  
و ادامه جنگ مخالفند ، از ادارات  
مختلف اخراج می کنند و به جبهه ها  
می فرستند . زندانها بطور مداوم  
در تعقیب و در صدد دستگیری سربازان  
فراری و کسانی که از معرفی

### ادامه عملیات جنایتکارانه ...

شرایطی می بایست از طریق مسالمت  
آمییز صورت گیرد . اکنون بایست  
تمام نیرو متحداً در خدمت اهداف  
مشترک انقلابی و در صدر آنها  
سرنوینی رژیم حاکم قرار گیرند .  
خلق ترکمن خود را در مبارزه  
خلق کرد بر علیه رژیم حاکم در کنار  
مردم زحمتکش کردستان می دانند  
و از هرگونه پشتیبانی از مردم  
شریف کردستان دریغ نمی کنند .  
مبارزه مشترک مانویدبخش ایرانی  
آزاد و دمکراتیک است که در آن همه  
خلقهای میهنمان کرد ، ترک ،  
بلوچ عرب و ترکمن و ... در کنار هم  
به سلازندگی کشور بلاکشیده مان  
مشغول گردند .



اسلامی بیش از هر زمان جنبش خلق  
کرد را مورد یورشهای وحشیانه  
قرار داده و به پیشرفت جنبش خلق  
کرد آسیب وارد می نماید و بر روحیه  
مبارزه اتی آنها تاثیر منفی  
بجای می گذارد و تنها رژیم حاکم  
از آن خوشحال می شود ، کما اینکه  
بدنبال این کشمکش پاسداران  
ارتجاع در شهرهای کردستان به  
بخش شیرینی اقدام نموده بودند .  
روشن است که از بین رفتن  
نیروه های پیشمرگه کرد در نزاع  
داخلی ، تنها به نفع ارتجاع حاکم  
است . ما نیز اعتقاد داریم که حل  
اینگونه اختلافات در درجه دوم در چنین

# خلق مبارزتر کمن!

برای آزادی زندانیان سیاسی این  
فرزندان آزاده خلق ایران بپا خیزید!  
به شکنجه‌های ددمنشانه و اعدام‌های  
جنایتکارانه انقلابیون اعتراض کنید!



---

**زندان‌های سیاسی آزاد باید گردد!**

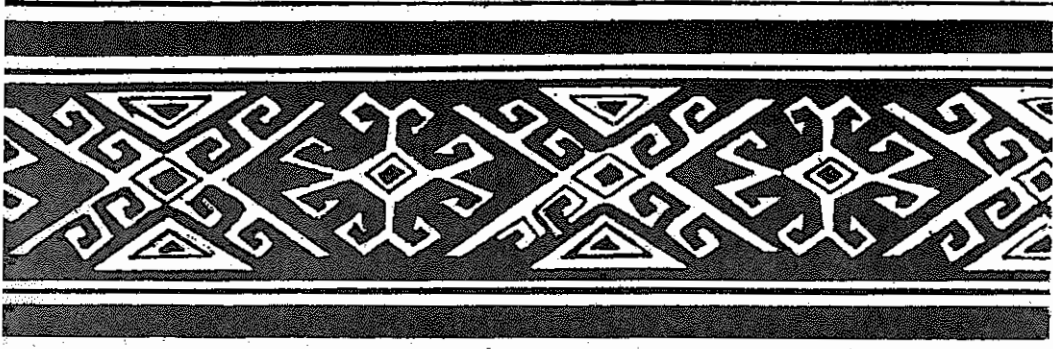
---

روشنفکران و مبارزین ترکمن صحرا  
خوانندگان گرامی ایل گویچی!

برای غنا بخشیدن به نشریه ایل گویچی با ما مکاتبه کنید.  
پیشنهادها، نظرات و انتقادات خود را برای ما ارسال دارید.  
مقاله، شعر، خبر، عکس، داستان، طرح، ترجمه، فتوگرافی  
از روستاها، گزارش از وضع زندگی اقشار گوناگون مردم و  
مشکلات آنها و هر مطلب دیگر در رابطه با زندگی و مبارزه خلق  
ترکمن را برای ما بفرستید.  
از هرگونه همکاری با ایل گویچی دریغ نکنید.  
ایل گویچی را وسیعاً پخش کنید و به علاقمندان برسانید!

H. D.  
Postfach 106463  
2800 Bremen  
W. Germany

آدرس پستی:



[www.iran-archive.com](http://www.iran-archive.com)

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن